



عصر

روزنامه تجاری اقتصادی
یکشنبه ۲۳ دی ۱۴۰۳ | ۱۱ رجب ۱۴۴۶ | 12 January 2025
۸ صفحه | پنج هزار تومان | سال سوم | شماره پانصد و هفت
www.asrghanoon.ir

ظریف ایپر

ظریف: الان به خودمان مطمئنیم؛ وقت پرش است

ظریف: ما وضعیتی پیدا کردیم که الان به خودمان مطمئنیم و مردم ما به خودشان مطمئن هستند، چون می‌دانند که کسی در برابر این مردم نمی‌تواند کاری بکند. الان وقت پرش است؛ با این اعتماد به نفس بیایم مبنای امنیت که اعم از اقتصاد و معیشت و ارتباطات خوب باشد و دیدن همه چیز به عنوان فرصت را تقویت کنیم. ما دیگر نیاز نداریم نگران اینترنت باشیم؛ نگران خانم‌ها باشیم؛ اینها همه برای ما فرصت هستند. ایرانی‌های خارج از کشور برای ما فرصت هستند. منطقه برای ما فرصت است. اینها دیگر تهدید نیست ما اگر واقعا به مبنای فکری امام و رهبری اعتقاد داشته باشیم، می‌بینیم که آنچه ما را سرپا نگه داشته، همین خودباوری بوده و این خودباوری خیلی مهم است. اگر من بخواهم امام را با یک کلمه تعریف بکنم، می‌گویم «خودباوری»؛ و آن هم خودباوری که متکی به خداست.



ایران و مادرک ایران



امروز غزه با اسرائیل بی نقاب می‌جنگد، بله، جنایت‌ها، بی نظیر است اما همین یعنی همه چیز برای همه روشن است.

۳

پیش‌زمینه‌های بحران سوریه



حضور سوریه به دوره جنگ‌های داخلی لبنان و حتی قبل‌تر از آن در دهه ۷۰ برمی‌گردد. سوریه با هدف کنترل جنگ‌های داخلی وارد لبنان می‌شود. جالب است که در آن دوره این ورود با حمایت آمریکایی‌ها شکل می‌گیرد

۴

آمریکای فرسوده از نمای نزدیک



اوضاع جهانی اعیان نشین‌ترین مناطق، سند دیگری درباره "فرسودگی آمریکا" است. این تعبیر، سال‌هاست از سوی مقامات آمریکایی تکرار می‌شود

۳

خاکستر نشینان کالیفرنیا را به غزه ببرید!



باز همچنان و گهگاه بای شبیه آدمی خونین و مالین بدان می‌رسد، اما آتش هروله‌کنان و تنوره‌کشان، تقریباً به تمام ساختمان‌های مشابه در کالیفرنیا حمله می‌بزد و اهل درد را فراری می‌دهد!

۴

مسیری نودر سینمای مقاومت



شبکه‌سازی هنرمندان مقاومت در سطح ملی و بین‌المللی و تبدیل این شبکه به اتحادیه فیلم‌سازان مقاومت از دستاوردهای مهم جشنواره است.

۴

رهاورد سفر به چین



در حال حاضر رابطه ایران و چین راهبردی نیست، ولی ظرفیت و اشتراکات به قدری زیاد هستند که می‌تواند تبدیل به یک رابطه راهبردی شود.

۷

ایران و ما ادراک ایران

علی‌مهدیان



ایران با یمن متفاوت است. ایران پنجاه سال تحت تربیت و حاکمیت راس تمدن غرب یعنی انگلیس و آمریکا بوده. مردم ایران ذهنی آمیخته به نظام ارزشی غرب دارند، دانشگاه‌هایی دارند که علوم و نظام هنجاری غربی را در آنها می‌آموزند. سال‌ها احساس انفعال و ضعف نسبت به غرب داشته‌اند. اینها را شاید بگویید ضعف ما است و کاش چنین نبودیم. اما به نظرم اینها قوتی را در ما شکل داده. چه قوتی؟ ما در حال هضم کردن غربیم و نه کنار گذاشتن آن. برای همین ما می‌توانیم الگو باشیم و نه یمن. ما می‌توانیم سخن نوی ما بعد از تمدن غرب را بیافرینیم نه یمن. ما می‌توانیم حقیقتی که در عالم بنا است رقم بزنیم اول در وجود خودمان محقق کنیم نه یمن.

هیچ نقطه‌ای از این عالم با ایران قابل مقایسه نیست. غزه عزیز است، شریف است، جان و قلب ما است. اما ایران کجا و غزه کجا؟ ایران مقابل شاه شیعه ظاهرسازی قیام کرد که فریب دادن را خوب بلد بود. ایران طعم صهیونیست‌ها را از پشت شعارهای جذاب او تشخیص داد. شاه خشن ولی مکار از عهده ایران هوشمند بر نیامد. ایران جریان به ظاهر انقلابی مجاهدین خلق با شعارهای آرمانخواهانه‌اش را تشخیص داد و به سرعت غی کرد چون طعم صهیونیستی و آمریکایی آنها را از پشت ظاهر انقلابی‌اش و چپ‌گرایی آنها چشید.

ایران مقابل کل کشورهای ابرقدرت ایستاد در حالیکه که احدی در دنیا کمک کارش نبود و حتی پیام مظلومیتش سانسور می‌شد و به سمع و بصر کسی نمی‌رسید. دیروز سالگرد شهادت ۷۰ دانش آموز در دو مدرسه بروجرد بود که با موشک مستقیم شهید شدند، دختران و زنان ما در حین تشییع جنازه شهیدانشان در دزفول بمباران میشدند، سیصد هزار نفر ذره ذره جلوی چشمشان کشته شدند در سکوت دستگاه‌های خبری رسانه‌های دنیا.

امروز غزه با اسرائیل بی نقاب می‌جنگد، بله، جنایت‌ها، بی نظیر است اما همین یعنی همه چیز برای همه روشن است. ایران مدت‌ها در سوریه شهید می‌داد در حالیکه کل کشورهای عرب و عمده جریان‌های اسلامگرا در منطقه مقابلش بودند او تشخیص می‌داد اسرائیل کدام طرف است. او رهبری بلد است.

جنگ برای غزه یکی دو سال است مبارزه در میان تحریم و اسارت هر چند سال است ایران از سال چهل یعنی حدود شصت سال پیش آغاز کرد مبارزه در مظلومیتش را برای آرمان فلسطین. برای سرزمینی که درش زندگی نمی‌کرد. همین امروز به دلیل بیش از بیست سال تحریم ظالمانه غرب کمر زن و مرد ایرانی زیر فشار اقتصادی در کشور ثروتمندش در حال شکستن است او البته بلد است چگونه



انتقال پایتخت به سمت سیستان و بلوچستان بیشتر یک تعارف است

مدتی بعد از انتخاب پزشکیان به عنوان رئیس‌جمهور او مسئله تغییر پایتخت را یکی از اولویت‌های خود اعلام کرد و با تأکید بر اینکه مشکلات این کلانشهر حل‌ناشدنی است بر موضوع تغییر پایتخت تأکید کرده‌است. در نشست خبری اخیر سخنگوی دولت نیز این ایده مورد تأکید قرار گرفت و اعلام شد پایتخت جدید قطعاً مکران خواهد بود. مهاجرانی با بیان اینکه پایتخت جدید قطعاً جنوب و منطقه مکران است، خاطر نشان کرد که این موضوع در حال کار است.

پس اعلام این خبر انتقادهای بسیاری در خصوص بحث انتقال پایتخت به مکران و امکان سنجی‌های آن مطرح و شاید همین مسائل موجب شد تا محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور روز بعد اعلام کند که موضوع انتقال پایتخت به مکران در حد ایده است و قطعی نیست و زمان آن نیز مشخص نشده‌است.

در شرایطی که به نظر می‌رسد با وجود اظهار نظر قطعی سخنگوی دولت درباره انتقال پایتخت به مکران هنوز این مسئله در نتیجه نیز به جمع بندی نرسیده است.

ضرورت انتقال پایتخت بیشتر از آنکه از سمت جامعه احساس و مطرح شود از سمت دولتمردان به سبب مشکلات اداره کلانشهر تهران با ملاحظات بسیاری که پشت این احساس ضرورت وجود دارد، متولد شده‌است، اما احتمال اینکه پایتخت به سیستان و بلوچستان برود را بسیار ضعیف تصور می‌شود و بیشتر یک تعارف است و شاید دلجویی از عدم توسعه تاریخی این منطقه باشد تازه به اگر جدی هم باشد، معقول نیست، چراکه فقط فاصله ماکو و تبریز تا گوادر یا حتی زاهدان و چابهار حدود ۳۵ ساعت است.

دسترسی به پایتخت به دلایل مختلف اقتصادی، امنیتی، سیاسی و اجتماعی یک اصل مهمی است به خصوص در ایران که تفاوت اقلیمی، اجتماعی و مذهبی پررنگ است، همچنین موقعیت جغرافیایی و استراتژیک ایران و تعارض با همسایه‌ها را نیز باید مدنظر قرار داد، البته معلوم نمی‌کنند منظور از پایتخت همه ابعاد و مأموریت‌های تهران است یا مثلاً فقط مسائل اداری، سیاسی و مانند اینها، چون بعضی کشورها مثل سوئیس، شیلی یا تانزانیا دو پایتخت دارند.

برداشت و ارزیابی اولیه این است که ممکن است از ۱۰ گزینه صحبت شود، ولی قاعدتاً در نهایت و اگر قطعی شود پایتخت از مرکز ایران خارج نخواهد شد. منطقه مکران منطقه مستعدی برای سرمایه‌گذاری، گردشگری و فعالیت‌های دیگری است و مزیت نسبی در آن حوزه‌ها دارد، ولی جامعه محلی آنجا اساساً قبل از این هفته از این خبر و از این پروژه بزرگ هیچ چیزی شنیده باشند و آمادگی ذهنی، اجتماعی و روانی در خصوص آن داشته باشند.

فقط تصور کنید فاصله آبقلا در گنبد ماکو در آذربایجان غربی، خرمشهر در خوزستان با منطقه پیشنهادی چقدر است؟! نه مکران و نه بوشهر و نه بندرعباس و سایر شهرهای ساحلی جنوب توان پایتخت شدن ندارند. پایتخت دور از دسترس همه مردم ایران پایتخت نیست!

زنده کردن امید در دل‌ها؛ اقدام سلبی علیه عملیات نرم‌افزاری دشمن

هسته اصلی بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب، توجه به افکار عمومی و برساختی است که دشمن می‌خواهد در جامعه نفوذ دهد. ایشان با تکیه بر عملیات نرم‌افزاری دشمن، توضیح می‌دهند که کار اساسی آنان علیه کشور و انقلاب «فاصله‌انداختن بین واقعیت و تصور افکار عمومی است».

کارویژه اصلی، برهم زدن این پرده‌ی انداخته شده توسط دشمن است. علاوه بر این بخش سلبی که علیه اقدام دشمن صورت گیرد، کار ایجابی یعنی «زنده کردن امید در دل‌ها» هم باید صورت گیرد. توجه کنید که تعبیر «زنده کردن» است.

رسانه‌های دشمن از احتمال حمله به مراکز هسته‌ای ایران سخن می‌گویند درحالیکه در آن میان برخی تحلیلگران واقعی‌شان می‌گویند ما اساساً ابزارهای لازم برای چنین حمله‌ای را در زمان حاضر نداریم.

رسانه‌های فارسی‌زبان با کلیدواژه «فروپاشی» همه چیز را سیاه و نابود شده تصویر می‌کنند. این جریان پرفشار رسانه‌ای در کنار برخی مشکلات واقعی باعث شده تا به مرور، هیچ واقعیت روشنی هم در افق دیده نشود.

متأسفانه برخی دوستان داخلی دیگر نیز طی فرایندهای از بین برنده‌ی اعتماد به ساختارهای نظام، مسئولین ارشد در دولت و مجلس و حتی سپاه را به شکلی غیرواقعی تصویر می‌کنند و عملاً به اصل نظام آسیب می‌زنند. اینها بدون داشتن حرف ایجابی، سپاه نمایی می‌کنند و عملاً مسیر برعکس ایجاد امید در دل‌ها را پیش می‌برند.

راه‌حل‌ها برای ناترازی، کنترل قیمت ارز و تلاش‌ها برای مدیریت بازار را نمی‌بینند. حتی درمقابل رزمایش‌های اخیر که در واقع پاسخی به یابوگویی دشمن است، کمتر از میزان لازم، کار رسانه‌ای می‌کنند. راه درست، دیدن این واقعیت‌ها و البته نه بزرگنمایی آنهاست. مردم می‌فهمند و باید روایت واقعی را به آنها ارائه داد.

اما زمین‌هی پذیرش این روایت واقعی، اعتماد است که متأسفانه تضعیف شده؛ لذا راهی سخت برای «زنده کردن امید» پیش‌روی ماست. یکی از ملزومات این راه، دیدن واقعیت‌های امیدبخش و توضیح و تبیین آنهاست ولو کار سختی باشد.

همچنین ایجاد اعتماد باید دوباره در مسیر رشد قرار گیرد. ملزومه‌ی دیگر این راه، تصمیمات درست مسئولین و بهبود واقعی اوضاع است. همچنین برخورد با فرایندهای اعتمادزدا به ویژه در درون جریان انقلاب است.

همچنین سخن گفتن از راه‌های ایجابی واقعی برای برون رفت از مشکلات و رسیدن به اهداف اعلامی مانند رشد هشت درصد، بخش دیگری از وظایف در این حوزه است.

عزت نفروشد و به اندیشه و عزم مردمش اعتماد کند.

من واقعیتش خنده‌ام می‌گیرد وقتی می‌بینم برخی زمین خوردن بشار را زنگ خطر ایران می‌بینند. بشار اسد البته انسان مقاومی بود ولی او و سوریه کجا و ایران کجا. همین دو سال پیش تمام قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و تمام مخالفان ایران دست به دست دادند که وسط مشکلات عجیب معیشتی، این مردم را منفعل کنند، ولی همه شان با هم هو شدند و زمین خوردند. حتی مخالفین نظام هم اینجا قابل مقایسه با دیگران نیست. آن قدر عاقلند که می‌فهمند تا وقتی سخن اثباتی عقیدتی و مستقل (از جنس جمهوری اسلامی) نیافرینند، حرکتشان بازگشت به پهلوی، آن هم از جنس اسکلی آن است. معلوم است که همراه نمی‌شوند.

ایران قله مقاومت مقابل همه استکبار است، الگوی آزادیخواهان است. فرق روح‌الله خمینی و سیدعلی خامنه‌ای با بقیه رهبران مقاومت در جهان نجومی است و این دقیقاً همان فاصله ایران است با دیگران. برای همین است که دشمن ایران را راس اختاپوس می‌داند به قول خودش. اگر واقعا می‌خواهید خدمتی به مقاومت کنید هویت ایران را اثاره کنید و معرفی کنید. نه اینکه با خودتحمقیری دیگران را توی سر مردمتان بزنید. اینجا حرم است. حرم اصلی. حرم صاحب‌الزمان. که اگر بماند همه حرم‌ها می‌ماند. اگر بماند مقاومت در عالم دوام می‌آورد. روشن تر بگویم ایران اساساً کشوری برای ما بعد استکبار است او سخن نویی دارد که در جانش محقق می‌کند، طرح تمدنی ناب دینی که در میانه این نبرد دنبالش می‌کند. ساختن دنیایی آباد ولی مقدس و معنوی. سیاستی از جنس بهشتی تا رئیسی، جنگی از جنس چمران تا سلیمانی، سازندگی از جنس جهاد سازندگی تا جریان‌های جهادی، علمی از جنس رویان و فخری زاده و شهریاری، این عطش انسان امروز است.

تداوم خدمت و اصلاح در تاریخ ایران از امیرکبیر تا رئیسی

محمد محمدی

حساب واحد خزانه، تلاش کرد تا پایه‌های اقتصادی کشور را استحکام بخشد. او با مبارزه با فساد و رانت، سعی در برقراری عدالت اقتصادی داشت. شهید رئیسی نیز در شرایطی مشابه، با میراثی از مشکلات اقتصادی و تورم فزاینده، سکان دولت را برعهده گرفت. حذف ارز ترجیحی (دلار ۴۲۰۰ تومانی)، اصلاح ساختارهای مالیاتی، عادلانه‌سازی یارانه‌ها و آزادسازی دارایی‌های دولت به بخش خصوصی، از جمله اقدامات مهم دولت سیزدهم در راستای اصلاح ساختار اقتصادی کشور بود. هر دو شخصیت، با درک صحیح از اهمیت اقتصاد در اقتدار ملی، تمام توان خود را برای بهبود وضعیت معیشت مردم و رونق اقتصادی کشور به‌کار گرفتند.

یکی از جنبه‌های مشترک و در عین حال دشوار در مسیر خدمت امیرکبیر و شهید رئیسی، مواجهه با دشمنی‌ها و مخالفت‌های شدید از سوی کانون‌های قدرت و ثروت داخلی و نیز دشمنان خارجی بود. هر دوی این شخصیت‌های برجسته، در راه اصلاح ساختارها، مبارزه با فساد و تلاش برای استقلال و پیشرفت کشور، با موانع و مخالفت‌های جدی از جانب گروه‌های ذی‌نفع

تاریخ پر فراز و نشیب ایران، همواره شاهد ظهور شخصیت‌هایی بوده است که با اندیشه والا و همت بلند، نقشی بی‌بدیل در سرنوشت این سرزمین ایفا کرده‌اند. در این میان، نام دو مرد بزرگ، میرزا تقی‌خان امیرکبیر و شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، به عنوان دو الگوی ماندگار از حکمرانی مصلحانه و خدمت‌بی‌منت، درخششی ویژه دارد. رهبر معظم انقلاب، با بیانی شیوا، این تشابه را چنین ترسیم فرمودند: «امیرکبیر ۳ سال بر کشور حکومت کرد و کارهای بزرگی را بنیان‌گذاری کرد، شهید رئیسی عزیز هم ۳ سال ریاست کرد و کارهای خوبی انجام داد و بعضی کارها را پایه‌گذاری کرد که ثمره‌اش را ان‌شاءالله بعدها کشور خواهد دید.» این کلام گهربار، نه تنها بیانگر عمق خدمات این دو بزرگوار است، بلکه ما را به تأملی ژرف در وجوه اشتراک میان اندیشه و عمل آن‌ها فرا می‌خواند.

یکی از برجسته‌ترین شباهت‌های میان امیرکبیر و شهید رئیسی، تمرکز جدی بر اصلاحات اقتصادی و مالی بود. امیرکبیر در دورانی که اقتصاد کشور دچار نابسامانی‌های فراوان بود، با اقداماتی شجاعانه همچون اصلاح نظام مالیاتی، تعدیل بودجه، و ایجاد



داخلی و قدرت‌های خارجی مواجه شدند.

او نه با شعار، بلکه با عمل، نشان داد که دغدغه اصلی‌اش خدمت به مردم و اعتلای ایران اسلامی است. بنابراین، می‌توان شهید رئیسی را به عنوان «امیرکبیر زمان» دانست؛ شخصیتی که با اخلاص و فداکاری، در راه خدمت به مردم و پیشرفت کشور گام برداشت و میراثی ماندگار از خود به جای گذاشت.



آمریکا جهنم شد

لیلاگل یار

تصویر جهانی بالا
تصویر لوس آنجلس است.
یعنی بزرگترین شهر ایالت کالیفرنیا
که آتش‌سوزی چند روز گذشته، تلی از خاکستر از آن
برجا گذاشته است.

تا کنون خسارت این آتش‌سوزی به ۱۵۰ میلیارد دلار
رسیده است.

و تصاویر تلاش آتش‌نشانان آنان برای خاموش کردن
آتش، با کلاه و کیف و وسایلی از این قبیل در فضای
مجازی منتشر شده است. و در این فیلم‌ها و تصاویر،
خبری از آن تکنولوژی پیشرفته برای خاموش کردن
آتش که خودت تحقیقان غربزده ایرانی در موقع حوادث
ایران از آن دم می‌زدند، نیست.

و آتش همچنان با خشم پیش می‌رود و خاکستر
می‌کند و بادی با سرعت بیش از ۱۱۰ کیلومتر بر ساعت
بر شعله‌های آن می‌دمد و وحشی‌تر می‌کند.

و این آتش به نیویورک رسیده است. و در برانکس،
مجموعه‌ای شامل ۱۵۰ آپارتمان را فراگرفته است.

اکانتی در عرب میلیتاری نوشته است که

حتی بمب MOAB یعنی بزرگترین و قوی‌ترین سلاح
غیر اتمی آمریکا هم نمی‌توانست یک درصد بلایی که
این آتش‌سوزی بر سر آمریکا آورده است را ایجاد کند.
یادتان هست که چند روز قبل، ترامپ یعنی قاتل سردار
سلیمانی گفته بود که اگر گروگانها آزاد نشوند وقتی به
قدرت برسم خاورمیانه را جهنم می‌کنم؟

حالا اما گفته که

آمریکا جهنم شد ...

شخوان
Pishkhan.com

آری

قُلْ فَادْرَأُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۸)

آل عمران

بگو مرگ را از خود دور کنید اگر راست

حالا کجا هستند آن خودت‌تحقیران غرب‌بگرا؟
چرا از عدم توانایی این ابرقدرت پوشالی در حفظ جان
و مال مردم خودش حرفی نمی‌زنند؟

چرا صدایشان در گلو خفه شده است؟

تاریخ فرهنگی بحث نوظهوری است که در ایران متولی خاصی ندارد...



شهری و نخبه‌گرایانه بوده است، اما گویی برای دست‌یابی به
شناخت بهتر نیاز است صدای دیگر راویان را نیز بشنویم از
جمله راویان زن، راویان محلی و... که این امر را تاریخ فرهنگی
میسر می‌کند. ما باید از چشم‌اندازهای جدید تاریخ را بازنگری و
بازخوانی کنیم و چشم‌اندازهای محلی گنجینه‌های ارزشمندی
هستند برای پرداختن به تاریخ فرهنگی و دست‌یابی به شناختی
عمیق‌تر از گذشته خود.

رضا بیگدلو کار احمدزاده و پژوهشگاه را از جنس بنیان‌گذاری
دانست و گفت: بنیان‌گذاری آغاز راهی نو و تحول در دل خود
دارد و احمدزاده با انتشار این کتاب مسیری نو در ایران ایجاد کرد
و همچنین کیفیت این بنیان‌گذاری نیز شایان توجه است. توجه
به تاریخ فرهنگی در ایران ضروری است. جامعه ما با مسائلی
روبه‌روست که ریشه در انگاره‌های فرهنگی و استعاره‌های ما
دارد که به آن‌ها پرداخته نشده و حیاتی است که به آن بپردازیم.
وی افزود: حل این مسائل و مضامین در گرو پرداختن به این
انگاره‌ها و استعاره‌هاست که در مطالعات تاریخ فرهنگی میسر
می‌شود.

تاریخ فرهنگی یک روش جدید و یک نوآوری در روش‌شناسی
است

در بخش پایانی مراسم نیز احمدزاده گزارشی از روند آماده‌سازی
این کتاب ارائه کرد و گفت: برای این همایش ۸۶ مقاله دریافت
و تعداد ۵۴ مقاله پذیرفته شد و به جرأت می‌توان گفت، مقالات
از استاندارد بالایی برخوردارند و در حد مقالات علمی پژوهشی
و بسیار باکیفیت هستند. در این کتاب، مجموعه مقالاتی
از پژوهشگران رشته‌های مختلف از جمله جامعه‌شناسی،
انسان‌شناسی، روان‌شناسی، ادبیات، فلسفه و... گردآوری شده
است.

احمدزاده افزود: بیش از ۱۰ سال است که مشغول ترجمه متون
تاریخ فرهنگی هستم. در تاریخ اگر بخواهیم حرف جدیدی
بزنیم باید در یکی از این سه مورد نوآوری داشته باشیم: منابع،
روش‌شناسی و یا موضوع. تاریخ فرهنگی یک روش جدید و یک
نوآوری در روش‌شناسی است. تا قرن اخیر تلقی پژوهشگران
از رشته تاریخ، حوزه‌ای مستقل بوده و تمایلی به مطالعات
میان‌رشته‌ای نداشته، اما اکنون با نسل جدیدی روبه‌رو هستیم
که گشودگی برای مطالعات میان‌رشته‌ای دارد و به ما فهم
بهتری از تاریخ می‌دهد و افق‌های جدیدی برای ما می‌گشاید.

همچنین تاریخ همواره انسان را به‌عنوان موجودی «مجرد و
انتزاعی» بررسی کرده است اما اکنون می‌دانیم که باید انسان
را به‌مثابه یک موجود «فرهنگی» و متعلق به بستر و شرایط
خاص خود بررسی کنیم. البته که این روش دشواری‌ها و
آسیب‌شناسی‌هایی دارد و در نهایت آرزوی من انتشار این کتاب
در تعداد بیشتر و دسترسی آسان پژوهشگران تاریخ به آن و
ایجاد گرایش ارشد و دکتری برای رشته تاریخ فرهنگی است.

سپس مهدی معین‌زاده، معاون پژوهشی پژوهشگاه، ضمن اشاره
به اهمیت پژوهش‌های تاریخ فرهنگی اشاره کرد. هایدگر در
کتاب «هستی و زمان» می‌گوید: مورخ اصیل کسی است که
دازاین اصیل بوده و زمان‌مندی را درک کرده باشد.

وکیلی، مدیر امور پژوهشی پژوهشگاه ضمن عرض تبریک
به‌مناسبت انتشار کتاب و سیاسی و قدردانی از احمدزاده این
پرسش را طرح کرد که «تفاوت تاریخ فرهنگی و تاریخ فرهنگ»
در چیست؟ و درخواست کرد عبارت «تاریخ فرهنگی» روشن
شود.

بین تاریخ فرهنگی و تاریخ علم هم‌پوشانی‌هایی هست

در ادامه حمیدرضا دالوند با اشاره به واژه «فرهنگی» در نام
«پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»، فرهنگ را جزئی
از هویت پژوهشگاه دانست که در این کتاب متجلی شده و
انتشار این اثر را بسیار ارزشمند توصیف کردند و گفت: این
اثر ظرفیت‌های بسیاری برای طرح گفت‌وگوهای مختلف در
پژوهشگاه دارد از جمله گفت‌وگو میان تاریخ فرهنگی و تاریخ
علم. وقتی تاریخ می‌نویسیم بین تاریخ فرهنگی و تاریخ علم
هم‌پوشانی‌هایی هست و می‌توان بستر گفت‌وگویی میان دو
گروه تاریخ فرهنگی و تاریخ علم در پژوهشگاه ایجاد کنیم که
بستر و مسیرش فراهم است. همچنین تاریخ فرهنگی به نوعی
تاریخ فریختگان و تاریخ اندیشه است و از این جهت نسبتی با
خود ما در پژوهشگاه دارد. تاریخ فکری و فرهنگی پژوهشگران
و فرازگانی که تحول‌آفرین بوده‌اند و نشان داده‌اند که همواره
پشت هر تحولی اندیشه و فکری جاری بوده است و از این بابت
هم انتشار این اثر بسیار مهم است.

همچنین نیره دلیر، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی
و مطالعات فرهنگی نیز ضمن تشکر ویژه از احمدزاده برای بر
عهده گرفتن مسئولیت گروه تاریخ فکری و فرهنگی پژوهشگاه
تاریخ پژوهشگاه گفت:

من به‌عنوان مسئول وقت پژوهشگاه تاریخ از نزدیک شاهد
تلاش‌های ایشان بودم و پشتکار احمدزاده و تعامل پیگیرانه
ایشان با نویسندگان، پژوهشگران و نویسندگان همایش بسیار
تحمین‌برانگیز است.

دلیر افزود: پس از چرخش فرهنگی قرن بیستم و تغییرات
مختلف در علوم، نگاه به رشته تاریخ نیز دچار تحولاتی شد. از
سیطره تاریخ سیاسی کاسته و بر رویکردهای دیگر پرداخته شد
مانند تاریخ اجتماعی، تاریخ فرهنگی و... ما نیز باید از سیطره
شرق‌شناسی خارج شویم و به شیوه خودمان تاریخ‌مان را
بنویسیم تا بتوانیم بر بنیای آن آینده‌پژوهی کنیم تا دریچه‌های
جدیدی برای مان گشوده شود.

توران طولابی ضمن قدردانی از تلاش‌های احمدزاده، در خصوص
اهمیت حوزه تاریخ فرهنگی گفت: غالباً راویان تاریخ مردسالار،

مراسم رونمایی از کتاب «تاملاتی در باب تاریخ فرهنگی»
باحضور سخنرانان مراسم و علاقه‌مندان به موضوع تاریخ فرهنگی
در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در آغاز
مراسم مالک شجاعی، دبیر نشست ضمن عرض خیرمقدم، این
جلسه را جلسه قدردانی و تکریم زحمات گروه تاریخ فکری و
فرهنگی پژوهشگاه و به‌ویژه قدردانی از زحمات احمدزاده در
برگزاری همایش «تاریخ فرهنگی در ایران» و انتشار مجموعه
مقالات این همایش با عنوان «تاملاتی در باب تاریخ فرهنگی»
دانست. وی همچنین حضور حسینعلی نوذری، استاد برجسته
علوم سیاسی و تاریخ را فرصتی مغتنم برشمردند تا تجربیاتش را
با اهالی فرهنگ و اندیشه در میان بگذارد.

در ادامه نوذری این نشست را فرصتی برای گفت‌وگو در باب
تاریخ فرهنگی قلمداد کرد و گفت: همت پژوهشگاه در برگزاری
چنین مجامع علمی و از آن مهم‌تر تداوم آن بسیار ستودنی
است. این امر همتی والا و دغدغه‌ای می‌طلبد که در این سال‌ها
پژوهشگاه نشان داده است که این تلاش و استمرار را دارد.

وی ادامه داد: کار سترگ و قابل تقدیر انتشار کتاب تاریخ
فرهنگی است که از منظرهای متفاوت به تاریخ فرهنگی پرداخته
شود که خود بازنمای تنوع و تکثر ذاتی تاریخ فرهنگی است.
این اثر که به همت احمدزاده و گروه «تاریخ فکری و فرهنگی»
پژوهشگاه، پیش‌روی ما قرار گرفته، بسیار قابل تحسین است و
از مسئولان پژوهشگاه درخواست می‌کنم که این کتاب را در
تعداد نسخه‌های بیشتری منتشر کنند تا به آسانی در دسترس
دانشگاه‌ها، استادان، دانشجویان و پژوهشگران قرار گیرد.

سپس معین‌زاده، معاون پژوهشی پژوهشگاه به‌رسم سپاسگزاری
و قدردانی از طرف پژوهشگاه علوم انسانی به استاد نوذری تقدیم
کرد.

تاریخ فرهنگی مبحثی مهم برای شناخت تغییر و تحولات
پرشتاب است

در ادامه نشست علیرضا ملایی‌توانی ضمن سپاسگزاری از
احمدزاده و حضور استاد نوذری که پیشرو ترجمه و تألیف آثار
متعدد در حوزه تاریخ فرهنگی هستند گفت: امیدوارم احمدزاده
با حمایت معاونت پژوهشی پژوهشگاه با برگزاری نشست‌های
تخصصی و همایش‌های ملی و بین‌المللی رونق بیشتری به این
حوزه در پژوهشگاه و ایران بدهند که اکنون احمدزاده تنها فردی
هستند که علم تاریخ فرهنگی را برافراشته نگه‌داشته است.

ملایی‌توانی بیان کرد: تاریخ فرهنگی بحث نوظهوری است که
در ایران متولی خاصی ندارد، مشخص نیست در این زمینه
جامعه‌شناسان، فیلسوفان یا انسان‌شناسان متولد هستند؟
تنها نهاد رسمی موجود در ایران همین گروه «تاریخ فکری و
فرهنگی» پژوهشگاه است که در این جهت در حال تلاش و
تولید ادبیات و انتشار آثار تألیفی و ترجمه است. تاریخ فرهنگی
مبحث بسیار مهمی است برای شناخت تغییر و تحولات پرشتابی
که در آن هستیم. تاکنون این تغییرات آن‌طور که باید و شاید
باعث تجربه معرفتی، فکری و عملی ایرانیان نشده است و با انجام
چنین کارهایی و همچنین بررسی در حوزه‌های مطالعاتی تاریخ
فرهنگی می‌توانیم در این زمینه بیش از این مؤثر باشیم.

یعقوب خرابی ضمن ابراز خرسندی از تجربیات دوران دانشجویی
خود در پژوهشگاه گفتند: پژوهشگاه بستر بسیار مناسبی برای
تعامل دانشجویان، استادان و پژوهشگران از حوزه‌ها و رشته‌های
مختلف با یکدیگر است و بنده شخصاً از این پژوهشگاه، بیشتر
از دانشگاه‌ها آموخته‌ام. به یک معنا پژوهش واقعی در این بستر
تعاملی و گفت‌وگویی رخ می‌دهد. اغلب گروه‌های تاریخ در
دانشگاه‌های کشور در بستر سنتی، کلاسیک و تک‌ساحتی تاریخ
قلم می‌زنند در حالی که رشته تاریخ هم اکنون میان‌رشته‌ای شده
است. پژوهشگر تاریخ باید با پژوهشگران فلسفه، جامعه‌شناسی،
انسان‌شناسی و... تعامل کند و در پژوهشگاه این گفت‌وگوها
و دیالوگ‌ها فراهم است که فرصتی بسیار ارزشمند برای هر
پژوهشگری به‌شمار می‌رود.

برنامه‌ریزی برای نگهداشت نخبگان از اولویت‌های وزارت علوم است



دکتر سیمایی گفت: دانشجویان در هر رشته‌ای تحصیل می‌کنند باید با
تاریخ و فرهنگ غنی خود و مشاهیر علمی، هنری و فرهنگی کشورشان
آشنا باشند و به هویت اجتماعی خود افتخار کنند.

وزیر علوم خطاب در دیدار با برگزیدگان المپیادهای علمی گفت: شما که از سد
المپیاد گذر کرده‌اید، نباید تنها در تخصص خود غرق شوید بلکه باید سعی کنید
به علوم بین‌رشته‌ای احاطه داشته باشید و اطلاعاتی فراتر از گرایش تحصیلی
خود کسب کنید.

هادی معصومی زارع

پیش زمینه‌های بحران سوریه

در سال ۲۰۰۲ بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر بعد از اینکه آقای بوش بحث «محور شرارت» (the Axis of Evil) را مطرح می‌کند، آقای جان بولتون معاون وزیر خارجه وقت آمریکا در سخنرانی‌ای اصطلاح «آنسوی محور شرارت یا پشت پرده محور شرارت» (Beyond the Axis of Evil) را مطرح می‌کند و سوریه را جزو این محور قرار می‌دهد. اگر ما برگردیم به سال ۲۰۰۱ و اتفاقات آن دوره و حمله به افغانستان و تهدید عراق و ایران و سوریه، می‌توانیم متوجه این موضوع باشیم که آمریکا انگار طرحی را در دوره نومحافظه‌کاران برای حمله به سوریه یا تغییر نظام در این کشور تدوین کرده‌است و آقای جان بولتون نظام سوریه را تهدید می‌کند و جزوی از محور شرارت قرار می‌دهد. در مارس ۲۰۰۳ نیز حمله آمریکا به عراق رخ می‌دهد که در نگاه سوریه تهدیدی وجودی شناخته می‌شود.

روابط با لبنان

در دوم سپتامبر ۲۰۰۴ حسب اختلاف‌هایی که میان رفیق حریری و رئیس‌جمهور وقت لبنان اتفاق می‌افتد، شورای امنیت قطعنامه ۱۵۵۹ صادر می‌کند برای خروج تمام نیروهای خارجی باقیمانده در لبنان که طبیعتاً ناظر به ارتش سوریه است و خلع سلاح گروه‌های شبه‌نظامی که منظورش حزب‌الله است و گسترش کنترل لبنان به تمام خاک این کشور که طبیعتاً منظورش جنوب لبنان و مرزهای سوریه و فلسطین [اشغالی] است. این قطعنامه صادر می‌شود. کمتر از دو ماه بعد، در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۴ آقای رفیق حریری بر اثر اختلافاتی که با رئیس‌جمهور وقت بر سر پروژه اصلاح قانون اساسی و تمدید زمامداری امیل لحدود دارد، استعفا می‌دهد. پس از این استعفا، آقای رفیق حریری به گروه مخالفان سوریه و طرفداران اجرای قطعنامه ۱۵۵۹ می‌پیوندد؛ او که اساساً برکشیده شدنش محصول روابط بسیار خوب با نظام سوریه و رژیم سعودی است، از اینجا به جبهه مخالفان سوریه می‌پیوندد.

سوریه چقدر حضور نظامی داشت در لبنان و چگونه شد که سوریه این تعداد سرباز را در لبنان توانست وارد کند؟ چند سرباز بودند و کجاها بودند و دلیل و بهانه ورودشان به کشور مستقل دیگری به اسم لبنان چه بوده؟

حضور سوریه به دوره جنگ‌های داخلی لبنان و حتی قبل‌تر از آن در دهه ۷۰ برمی‌گردد. سوریه با هدف کنترل جنگ‌های داخلی وارد لبنان می‌شود. جالب است که در آن دوره این ورود

فهم چرایی ورود ایران به بحران سوریه امکان‌پذیر نیست مگر اینکه ما در مقدمه متوجه شویم که اتفاقی که در سوریه افتاد اولاً ماهیتش چه بود، ثانیاً چرا این اتفاق افتاد؟ آیا این اتفاق امری دفعی و آنی بود یا پیش‌زمینه‌هایی (به قول عرب‌ها «خلفیات») داشت که در سال‌های پیش از آن شکل گرفته بود.

سلسله اتفاقاتی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی و داخلی سوریه شکل گرفته که همه تغییراتی را در داخل سوریه یا در مناسبات قدرت ایجاد می‌کند و اگر آن‌ها را خوب نفهمیم، متوجه نمی‌شویم در ۲۰۱۱ چه اتفاقی افتاد. بخشی از آن اشکالات و اشتباهات نظام است و بخشی هم آمادگی‌هایی که به نظر من از یک دهه قبل از سوی محورهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای چنان‌روزی شکل گرفته. اگر بخواهیم بفهمیم که چرا در سوریه چنین اتفاقی افتاد، هر دو لایه را باید خوب فهمید.

الف) پیش‌زمینه‌های بیرونی

نخست‌مجموع تحولاتی است که در عرصه بین‌المللی گریبانگیر سوریه است. اگر بخواهید خوب متوجه شوید و دقیق نگاه کنید، سوریه از محیط منطقه‌ای و محیط بین‌المللی دائماً شاهد تهدیدات وجودی بی‌دری است.

طرح اصلاحات بشار اسد

پیشتر عرض کردم در سال ۲۰۰۰ که آقای بشار اسد روی کار آمد، در ۲۰۰۱ طرحی را برای اصلاحات آغاز کرد به نام بهار دمشق که با دو مانع مهم مواجه شد. نخست مقاومت شدیدی از حرس قدیم مواجه شد (یکی از عوامل درگیری حرس قدیم با آقای بشار اسد آغاز همین اصلاحات است. در سال ۲۰۰۴ آقای بشار اسد در جلسه‌ای خطاب به کنگره سراسری حزب بعث اعلام می‌کند حزب بعث حزبی عام و سراسری است اما شامل همه مردم سوریه نمی‌شود. یعنی دولتی که شکل گرفته است شامل همه مردم و طبقات نمی‌شود. در اعتراض به این صحبت‌ها آقای خدام و برخی از اعضای حرس قدیم جلسه را ترک می‌کنند، دوم: افراط معارضان سوریه که اگرچه شاید مطالباتشان بحق بود، اما بدون توجه به واقعیت‌های تدریجی بودن فرایند اصلاح، سقف توقعات خود را در همان ابتدا آن قدر بالا بردند که نظام سوریه احساس کرد که این اصلاحات به ساقط شدن نظام ختم خواهد شد. این در سال ۲۰۰۱ است.

سوریه در محور شرارت

آمریکای فرسوده از نمای نزدیک

محمدایمانی

برخی ارزیابی‌ها، خسارت آتش‌سوزی در لس‌آنجلس را ۵۰ میلیارد دلار تخمین می‌زند. متیو کرانستون خبرنگار آمریکایی، خسارت اولیه را ۹۰ میلیارد دلار، و بی بی سی، ۱۳۵ میلیارد دلار برآورد کرده کرده‌اند و این در حالی است که آتش‌سوزی آغاز شده از روز سه شنبه، رو به گسترش است. در آغاز سرمای زمستانی، برق خانه‌های ۵/۱ میلیون نفر قطع، و تامین گاز با مشکل روبرو شده است. بیش از ۲۷ هزار هکتار زمین در حال سوختن است. آتش به گران‌قیمت‌ترین ساختمان‌های آمریکا در بوری هیلز، هالیوود و بلوار سان‌ست سرایت کرده که متوسط قیمت آنها ۲ میلیون دلار است. ده‌ها هزار خانه تخریب شده است. بیش از ۱۸۰ هزار نفر خانه‌های خود را تخلیه کرده و هم‌زمان، سارقان دست به کار شده‌اند.

انتشار تصاویر آتش‌نشان‌هایی که برای خاموش کردن آتش از کیف دستی، مخروط‌های ترافیکی و سطل آب استفاده می‌کنند، انتقادها را تشدید کرده است. کالیفرنیا ثروتمندترین ایالت آمریکاست، اما آتش‌نشان‌های آن، فاقد امکانات اولیه اطفای حریق هستند. ریک کروسو، سرمایه‌دار آمریکایی به فاکس نیوز گفت: لس‌آنجلس برای خاموش کردن آتش، آب ندارد چرا که مدیران، مخازن آب را پر نکردند. ترامپ می‌گوید: فرماندار کالیفرنیا باید استعفا کند. کمبود آب برای آتش‌نشانی یک فاجعه تمام‌عیار است. یکی از بهترین و زیباترین مناطق ایالات متحده در حال نابود شدن است. گوین نیوسام، فرماندار هم پاسخ داد: مردم، در حال فرار هستند و جانشان را از دست می‌دهند. مدرسه‌ها از بین رفته. خانواده‌ها از بین رفتند و ترامپ به جای نگرانی برای جان مردم، به فکر بازی سیاسی خود است.

اوضاع جهانی اعیان‌نشین‌ترین مناطق، سند دیگری درباره "فرسودگی آمریکا" است. این تعبیر، سال‌هاست از سوی مقامات آمریکایی تکرار می‌شود اما در عین حال، اجازه ندارند از هزینه‌های گزاف مداخله جویی در دنیا و به ویژه برای رژیم صهیونیستی دست بکشند. آمریکا در همین یکی دو سال گذشته، چند ده میلیارد دلار را هزینه حمایت از جنایات جنگی



خاکستر نشینان کالیفرنیا را به غزه ببرید!

محمد رضا کائینی

حرف آخر همین حرف اول است، عکس‌های هوایی بمباران یک سال‌ونیم اخیر غزه، هنوز اندک جنب‌وجوش و نیم‌چه حیاتی را در لابه‌لای ویرانه‌ها نشان می‌دهد، اما تصاویر مشابه در لس‌آنجلس، جز خاکستر و شهرارواح نمی‌نماید! با فرض ترجیح یکی از این دو خراب‌آبادی که یکی را سلاح‌های آمریکایی ساخته و دیگری را چیزی که هنوز صدایش را در نمی‌آورند، باز بهتر است خلاق دست بر منطقه‌ای نهند، که دولت متبوعشان احتمالاً چند خانه و سایبان در آن باقی گذاشته باشد! در اینصورت دست کم شعله‌نشینان خواهند دید، که بادی پنجاه‌میلیارد دلاری که اینک از منفذی مجهول به استقبال ترامپ رفته، بس خشن‌تر از سلاح‌هایی است که از زنان و کودکان غزه نشین سراغ گرفته است و رفت و رواداری حاکمان خویش را، عینی‌تر خواهند یافت!

مضافاً بیمارستان‌های باریکه نیز، هنوز امن‌تر به نظر می‌رسد! چه درست است که هر لحظه از بمب و انفجار و پشته‌های کشته و نیمه‌کشته سراغ می‌گیرد، اما باز همچنان و گهگاه پای شبه‌آدمی خونین و مالین بدان می‌رسد، اما آتش هروله‌کنان و تنوره‌کشان، تقریباً به تمام ساختمان‌های مشابه در کالیفرنیا حمله می‌برد و اهل درد را فراری می‌دهد! سیاهه خوش‌خوان سرقته‌های پسا‌آتش را هم باز نکمیم، که طرفه حکایتی است!

این همه گفتم، نه برای آنکه گمان برید که در این فاجعه بی‌سابقه، پای قصور و تقصیری در میان است. این واقعه معلول علل و عواملی است، که عقل و علم بشر سده‌ها بعد به منزلت آن خواهد رسید! الان تنها موسم دریغ بر امری است، که اساساً معلوم نیست چه جور چیزی است! باز صد رحمت به ایران خودمان که اگر کلاغ از سر درختش بیفتد، پیشاپیش معلوم است که ده رده از مسئولانش باید استعفا به دست، ریسه دادگستری شوند!

جنبش بایکوت

همه ساکنان اسرائیل!

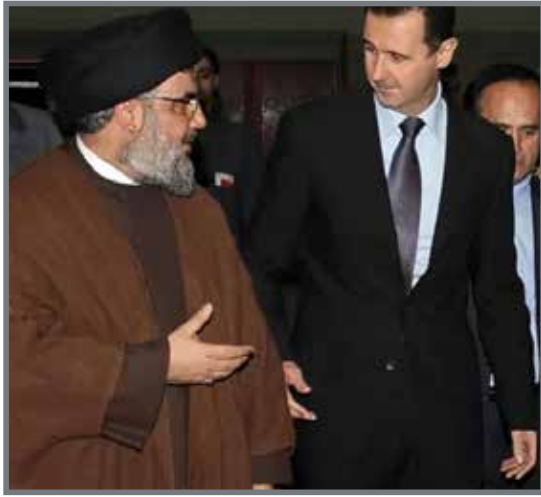
این روزها دو خبر مهم منتشر شد که نشانگر یک فرصت جدی پس از طوفان‌الاقصی برای انزوای کامل همه کسانی است که پاسپورت رژیم صهیونیستی را حمل می‌کنند:

یکی شکایت یک گروه مردمی در برزیل از یک توریست اسرائیلی بود که منجر به دستگیری او شد؛ چرا که عضو ارتش کودک کش این رژیم بود و دیگری نشر اطلاعات راننده تانکی بود که در قتل مستقیم سنوار نقش داشته است که باعث وحشت او و خانواده‌اش شد.

این اقدامات، که لایه کاملاً حقوقی دارد و می‌تواند با جمع‌آوری درست اطلاعات اعضای رژیم که تقریباً همگی به نحوی همکاری با ارتش کودک‌کش این رژیم دارند نوعی اقدام با قابلیت فراگیری در سراسر جهان است که کنشگران مردمی می‌توانند میدان‌دار آن باشند.

برخی فکر می‌کنند که این اقدامات منجر به عدم مهاجرت از اسرائیل خواهد شد، ولی اشتباه می‌کنند؛ چرا که انزوای حداکثری رژیم به نحوی که نتوانند به جز چند کشور به جایی بروند معنایی جز تلاش برای مخفی کردن هویت اسرائیلی و تلاش برای اخذ پاسپورت دوم نخواهد داشت و این مطلوب یعنی تحقق انزوای همه‌جانبه رژیم نقطه شروعی بر پایان اسرائیل است.

نفرت از «رژیم کودک‌کش»، جهانی شده است و حتی پس از آتش‌بس تازه می‌توان این دست اقدامات را توسعه بخشید. بسم الله...



با حمایت آمریکایی‌ها شکل می‌گیرد؛ ورود سوریه با هدف کنترل منازعات در لبنان با حمایت آمریکا و سعودی و کشورهای عربی منطقه رخ می‌دهد. پس از آن مسئله اسرائیل هست. تا اندازه‌ای حضور نیروهای پدافندی سوریه را در بقاع داریم. بخشی از نیروهای سوریه در دهه ۸۰، در زمان جنگ امل و حزب‌الله و جنگ امل و فلسطین وارد بیروت می‌شوند. سوریه در ادوار مختلف تزریق و خروج نیرو دارد. اما مهم این است که سوریه همواره در بیش از دو دهه منتهی به خروجش از لبنان و ترور آقای رفیق حریری، همواره نیروهایش در لبنان حضور داشتند تحت عنوان نیروهای حافظ صلح (نه حافظ صلح سازمان ملل، نیروهای بازدارنده، نیروهای حافظ صلح، نیروهایی که کنترل‌گر هستند تا جلو درگیری‌ها را بگیرند). اما نیروهای سوریه در لبنان وارد منازعات مختلفی شدند. در جایی در سرکوب چریک‌های فلسطینی نقش داشتند که آنجا تبدیل به ابزاری برای آزار سوریه از سوی ذقانی شده بود. در دوره‌های سرکوب حزب‌الله را در دستور کار داشت، حزبی که هم اسلام‌گراست هم خارج از حوزه فرمان‌برداری سوریه تعریف می‌شود. در حیاط‌خلوت سوریه در لبنان، حزبی شکل گرفته که ارتباط معنوی و اعتقادی و تشکیلاتی با سوریه‌ها ندارد. تا سال ۲۰۰۴ سوریه را می‌شود حاکم عملی لبنان دانست، حکومتی با همراهی سوریه‌ها و آمریکایی‌ها و متحدان سعودی و آمریکا در درون لبنان همچون آقای رفیق حریری و آقای جنبلاط و حتی آقای جعجع در برهه‌هایی. ایشان همه هم‌پیمانان اصلی سوریه‌اند. پیشتر گفتم حزب‌الله تا سال ۲۰۰۴ روابطش با سوریه یک دهم گرمی روابط آقای حریری و آقای جنبلاط و دیگران را ندارد.



برای مثال به میلوکی توجه کنید. آب این شهر به سرب آلوده است که می‌تواند آسیب‌های زیادی به سلامتی افراد وارد کند. آب ۱۰ میلیون خانه در آمریکا به سرب آلوده است. آب ۴۰۰ هزار مدرسه در معرض خطر آلودگی به سرب قرار دارند!"

دونالد ترامپ هم، پنج سال قبل، تبلیغات انتخاباتی را با انگشت گذاشتن بر حجم خرابی و خسارات در دولت‌های بوش و اوباما آغاز کرد و پس از پیروزی در انتخابات به ABC NEWS گفت: "ایالات متحده در حال فرو پاشیدن است. ما هزینه ساخت یک مدرسه در بروکلین یا لس‌آنجلس را نداریم. شیکاگو مانند افغانستان شده و هر چند روز یکبار شماری از مردم هدف گلوله قرار می‌گیرند. می‌خواهم مطمئن شوم در دوره من هیچ کس در خیابان‌های ما به خاطر بیمه و فقر نخواهد مرد."

پل‌های ما ویران شده‌اند. ما پول ساخت یک مدرسه را نداریم. سیاستمداران ما برای مدتی طولانی، مردم را مأیوس کرده‌اند. با ۶ تریلیون دلاری که در جنگ خاورمیانه هزینه کرده‌ایم، می‌توانستیم کشور را دو بار بازسازی کنیم. به وضع جاده‌ها، پل‌ها، تونل‌ها و فرودگاه‌ها نگاه کنید که شبیه مکان‌های فرسوده و از رده خارج است!"

و نسل کشی اسرائیل در غزه کرد و حال آن که می‌شد صرف پیشگیری از بحران‌های اقتصادی و بلایای طبیعی کند.

توماس فریدمن تحلیلگر نیویورک تایمز آبان ۱۳۹۱ به روزنامه ملیت ترکیه گفته بود: "ما دیگر حتی به اندازه یک بند انگشت، توان مداخله نظامی در بحران‌هایی مانند سوریه نداریم. آمریکا وارد دوره‌ای شده که باید کمی هم به مشکلات داخلی خود بپردازد. اکنون بیت لحم پنسیلوانیا برای ما مهم‌تر از بیت لحم خاورمیانه است. مردم آمریکا برای خدمات کمتر بهای بیشتری می‌پردازند و بیش از هر دوره‌ای می‌پرسند که نیروهای ما در فلان منطقه جهان چه می‌کنند؟"

نانسی پلوسی، رئیس وقت مجلس نمایندگان هم تیر ماه ۱۴۰۰ هشدار داد: "زیر ساخت‌ها، جاده‌ها، پل‌ها و شبکه آب ما رو به زوال است. شبکه برق در برابر قطعی‌ها، آسیب‌پذیر است." پس از وی، جو بایدن رئیس‌جمهور بود که در ویسکانسین گفت: "ما در رابطه با موضوعات زیادی دچار شکاف هستیم. (با اشاره به خرابی وسیع زیر ساخت‌ها) از هر ۵ مایل بزرگراه و جاده در آمریکا، یک مایل آن در وضع بد قرار دارد. البته وضع برخی از ایالت‌ها به مراتب از این هم بدتر است."

از ساخت حدود ۵۰ درصد از پل‌های ما بیش از ۵۰ سال گذشته است. از نظر مهندسان بیش از هزار پل در ویسکانسین دچار مشکلات ساختاری هستند. تنها هزار پل در ویسکانسین این وضع را دارند. حالا ببینید که در سراسر کشور وضع چگونه است. بیشتر پل‌های آمریکا به تعمیر و بازسازی نیاز دارند. عبور کامیون از روی بیش از ۶۰۰ پل در ویسکانسین ممنوع است.



اصول ملت‌سازی بر اساس الگوی غربی

محمدعلیزاده

آموزه‌هایی برای توسعه حضور منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

با پایان جنگ سرد، ایالات‌متحده با استفاده از ظرفیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای خود در کشورهای درگیر جنگ داخلی عملیات مختلفی را اجرا کرد که پس از گذشت چند سال، «ملت‌سازی» نام گرفت. این عملیات در کشورهای مثل آلمان، ژاپن و عراق با «اشغال» و در کشورهای مانند سومالی، هائیتی و بوسنی با «حفظ صلح» و اخیراً با «تثبیت اقتصادی و بازسازی» به اجرا درآمده است. رویکرد اخیر ایالات‌متحده در ملت‌سازی بیشتر توسط نهادهای توسعه‌گر مانند آژانس توسعه بین‌المللی ایالات‌متحده و شرکت چالش هزاره اجرا شده است.

امروزه در کشورهایی که در آن فرایند ملت‌سازی انجام شده است وابستگی سیاسی و اقتصادی به ایالات‌متحده توجه را جلب می‌کند. ایالات‌متحده بر اساس فرایند ملت‌سازی با اصلاحات سیاسی و اقتصادی، جامعه هدف خود را شکل می‌دهد و نیروهای موردنظر خود را در این کشورها قدرتمند می‌کند تا کشور هدف را به چرخ‌دنده‌ای برای موتور توسعه و بخشی از پازل سلطه خود بر جهان قرار دهد. در طول ملت‌سازی، زمانی که از توسعه دموکراسی صحبت می‌شود از بین تمام نسخه‌ها، لیبرال دموکراسی با خوانش مدنظر ایالات‌متحده در کشور هدف اجرا می‌شود. همچنین توسعه اقتصادی کشور هدف نیز با توجه به نقش آن در تامین منافع ملی ایالات‌متحده ترسیم می‌شود. اغلب کشورهایی که ملت‌سازی غربی در آن‌ها به اجرا درآمده به کشورهایی تک‌محصولی و غالباً صادرکننده مواد خام و واردکننده کالاهای ایالات‌متحده تبدیل شده‌اند. بنابراین آنچه در طول فرایند ملت‌سازی دنبال می‌شود استعمار نوین دولت‌های غربی مخصوصاً ایالات‌متحده است و جهانی‌شدن، تنها به معنای گسترش بازار محصولات ایالات‌متحده برای کشورهای توسعه نیافته است.

آنچه در تثبیت و توسعه اقتصادی با عناوینی مانند دریافت وام‌های بین‌المللی، آزادسازی قیمت‌ها، توسعه بخش خصوصی و ادغام در بازارهای جهانی مطرح می‌شود، عملیات وابسته‌سازی کشورهای هدف و رونق کارخانه‌های ایالات‌متحده است. در دنیای تک‌قطبی که ایالات‌متحده قرار است بر جهان سلطه داشته باشد، توسعه دیگر کشورها یعنی قدرتمند شدن آن‌ها که این تهدیدی برای ایالات‌متحده در بلندمدت خواهد بود. لذا هر برنامه‌ای که با عناوینی مانند توسعه زیرساختی و تجاری و اشتغال مطرح می‌شود در یک‌لایه عمیق‌تر برنامه‌ای برای توسعه اقتصادی چندین برابر ایالات‌متحده است.

نیاز به متخصص میان‌رشته‌ای برای هوشمندسازی کشاورزی

حسین فرازمند رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات سازمان تات با اشاره به نبود نیروی متخصص در حوزه هوشمندسازی کشاورزی خاطر نشان کرد: شرکت‌های حاضر در این بخش عموماً مسلط به حوزه فناوری اطلاعات هستند و تخصص کافی در حوزه کشاورزی ندارند.

ریسک‌پذیری در حوزه کشاورزی بسیار متفاوت از صنعت است و اگر دانشی که به کشاورزان انتقال می‌یابد دچار مشکل شود، جلب مجدد اعتماد کشاورزان بسیار مشکل خواهد بود.

نبود طرح‌نمایی برای بازاریابی سروسامان خودرو



عدم ارائه برنامه و طرح‌نمایی برای بازار بی‌سر و سامان خودرو؛ باگذشت چند ماه از دولت

خودروسازی در کشورمان با فراز و نشیب‌های بسیار زیادی همراه بوده است. از مسائل فنی و کیفی که همواره محل سؤال بوده و نقاط ضعف آشکاری دارد بگذریم به مسئله ساماندهی بازار خودرو می‌رسیم. بعد از گذشت چند ماه از دولت هنوز برنامه و طرح‌نمایی برای بازار بی‌سر و سامان خودرو ارائه و اجرا نشده است.

آنچه در این میان باعث گلایه مردم شد گران شدن یکباره و به اصطلاح صبح جمع‌های قیمت‌های خودرو بود. شرکت‌های خودروسازی محصولات خود را گران کردند که در این راستا با توجه به اینکه این موضوع بلافاصله بعد از استقرار دولت چهاردهم ایجاد شد مسئله برنامه ریزی دولت در این خصوص را پررنگ کرد.

«مسعود پزشکیان» در انتخابات ریاست جمهوری خود از گرانی قیمت خودرو گلایه کرد و با مقایسه قیمت‌های خودروهای خارجی و داخلی عنوان کرد که «اگر مرزها را باز کنیم و همان خودرو وارد شود مردم خیلی راحت صاحب ماشین می‌شوند. ماشینی که در خارج از کشور ۲ میلیارد قیمت دارد در ایران ۲۰ میلیارد فروخته می‌شود.»

این سخنان انتخاباتی در حالی بود که به یکباره در آذرماه سال جاری دو خودروساز مطرح کشور محصولات خود را حدود ۳۰ درصد گران کردند که این موضوع در بازار آزاد نتایجی حداقل ۱۰ درصدی در افزایش قیمت‌ها به بار آورد. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که بازار همواره فاصله خود را با محصولات درب کارخانه حفظ می‌کند و با توجه به اینکه عرضه خودروها

در کارخانه‌ها همچنان با نیاز جامعه همخوانی ندارد این فاصله شاید بیشتر شود. هرچند که باید گفت برخی از تقاضای بازار خودرو نیز برای سرمایه‌گذاری است نه مصرف.

حالا گفته می‌شود که اگر خواهان خودروهای صفر کارخانه‌ها هستید حداقل باید ۳۰۰ میلیون تومان ناقل را در حساب‌ها بلوکه کنید. تازه گفته می‌شود اگر متقاضیان بیش از ظرفیت تعیین شده باشند اولویت بندی می‌شوند.

یعنی میزان پولی که به بانک‌ها می‌رود و چند روز بلوکه می‌شود با میزان خودروهایی که به طور قرعه‌کشی و طی برخی طرح‌های خانواده و جایگزینی خودرو فرسوده عرضه می‌شود، بسیار فاصله دارد. موضوع اینجاست که چرا چنین طرحی با این گردش مالی که بسیاری از آنان بیهوده به بانک‌ها ریخته می‌شود و آرزوفروشی در این زمینه ایجاد می‌کند هنوز دوام و قوام دارد؟

اگر با همین دست فرمان خودروسازی و بازار آن پیش برود قطعاً این گروه کور نه تنها باز نمی‌شود بلکه مشکلات آن بیشتر و بیشتر تلنبار خواهد شد. با این حال به نظر می‌رسد دولت دست کم در این عرصه باید مواضع خود را مشخص کند چراکه یله و رها بودن بازار خودرو به هیچ وجه به نفع اقتصاد و صنعت کشور نیست.

قدرت خرید یک دلار در ایران معادل قدرت خرید چند تومان است؟

حمیدرضا مقصدی



برای محاسبه قدرت خرید دلار، سبدی از کالاهای پرمصرف یا پایه‌ای تر را انتخاب می‌کنند. قدرت خریدهای این‌ها را در آمریکا و ایران مقایسه می‌کنند و پس از محاسبه میانگین موزون (بر اساس وزن در مصرف کل) به یک عدد می‌رسند. این اعداد را برخی مراکز بین‌المللی محاسبه کرده‌اند. به عنوان مثال، اگر از سایت <https://ppp-calculator.com> برای محاسبه استفاده کنیم، به عدد ۷۰۹۶۸ ریال در ازای هر دلار می‌رسیم. صندوق بین‌المللی پول، این عدد را ۱۴۷ هزار ریال بیان کرده‌اند.

شاید این عدد در ذهن ما خنده‌دار به نظر برسد. اما بگذارید کمی واقعی‌تر و با مراجعه به آمار خرده‌فروشی در ایران و آمریکا، این عدد را برای برخی از کالاهای پراهمیت در زندگی مردم محاسبه کنیم.

هر لیتر بنزین در آمریکا حدوداً ۸۱ سنت است. یعنی با یک دلار در آمریکا می‌توان ۱.۲ لیتر بنزین خرید. قیمت ۱.۲ لیتر بنزین در ایران، ۳۶۰۰ تومان است. یعنی اگر کالای واسطه محاسبه، بنزین باشد، هر دلار آمریکا، معادل ۳۶۰۰ تومان قدرت خرید دارد.

هر کیلو نان به طور متوسط در آمریکا ۴ دلار است. یعنی با یک دلار در آمریکا می‌توان ۲۵۰ گرم نان خرید. قیمت ۲۵۰ گرم نان در ایران بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ تومان است. یعنی حداکثر ۲۵۰۰ تومان.

متوسط قیمت بنزین در آمریکا، ۴.۵ دلار در هر کیلو است. یعنی با ۱ دلار آمریکا می‌توان تقریباً ۲۲۲ گرم بنزین خریداری کرد. این مقدار بنزین را در ایران می‌توان با حدود ۱۳ تا ۱۵ هزار تومان خریداری کرد. البته در مورد بنزین ایرانی این عدد می‌تواند تا ۳۰ هزار تومان هم برسد.

قیمت یک ورق ۱۰ عددی قرص استامینوفن در آمریکا حداقل ۱ دلار است. قیمت این ورق قرص در ایران بدون بیمه حداکثر ۱۰ هزار تومان است. یعنی اگر یک داروی پرمصرف مثل استامینوفن را در نظر بگیریم، قدرت خرید دلار، ۱۰۰۰ تومان خواهد بود.

قیمت هر گیگابایت اینترنت همراه در آمریکا، ۶ دلار است.



تحقق رشد ۸ درصدی اقتصادی تکلیف قانونی برای دولت است

تحقق رشد ۸ درصدی اقتصاد موضوعی است که فعالان اقتصادی، دولت و مجلس شورای اسلامی بر آن تأکید دارند، به طوری که رهبر انقلاب در دیدار روز گذشته با مردم قم به تحقق رشد ۸ درصدی بدون احتیاج به خارج تأکید کردند و افق مسائل اقتصادی کشور را نیز در نگاه کارشناسان و افراد مطلع از واقعیات، امیدوارکننده خواندند و افزودند: «برخی افراد تحقق سیاست‌هایی مانند رشد اقتصادی ۸ درصدی را ناممکن می‌دانند، در حالی که در نمایشگاه فعالان اقتصادی که چندی قبل رئیس‌جمهور نیز از آن دیدن کرد، گفته و ثابت شد که تحقق رشد ۸ درصدی بدون احتیاج به خارج، امکان‌پذیر است و رئیس‌جمهور هم حرف آن فعالان و کارشناسان را تکرار کرد.»

رشد متوسط سالانه ۸ درصدی به عنوان اولین هدف کمی برنامه در نظر گرفته شده است؛ هدفی که در کارزار انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم مورد بحث و مناقشه قرار گرفت.

رئیس‌جمهور منتخب (مسعود پزشکیان) در یکی از مناظرات خطاب به رقیب خود گفت حاضر است از رقابت انتخاباتی کناره‌گیری کند، به شرط اینکه رقیب بتواند رشد ۸ درصدی را محقق کند و اگر چنین نشد، «اعدام» شود.

رسانه‌های نزدیک به اصلاح‌طلبان نیز هرازگاهی گزارش‌هایی مبنی بر محال‌بودن رسیدن به رشد ۸ درصدی در اقتصاد را منتشر می‌کنند.

به رغم تأکید پزشکیان بر عدم تحقق چنین رشد اقتصادی در زمان مناظرات انتخاباتی، وی بعد از رسیدن به ریاست جمهوری و آشنایی با دستاوردهای صنعتی و معدنی داخلی به این باور رسید که با تکیه بر دانش و فناوری داخلی می‌توان به هدف برنامه هفتم دست یافت.

میانگین نرخ رشد اقتصادی ایران در چهار سال اخیر ۴/۵ درصد بوده و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۴۰۳ را ۲/۵ درصد اعلام و برای سال ۱۴۰۴ هم رشد ۲/۹ درصدی را پیش‌بینی کرده است.

رسیدن به این هدف با دو رویکرد امکان‌پذیر است. رویکرد نخست این است که این عدد با اذعان به محدودیت‌ها، هدف‌گذاری شود تا مسئولان همه تلاش خود را برای تحقق آن انجام دهند. رویکرد دوم هم این است که ۵/۲ درصد از این نرخ رشد مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری و ۲/۸ درصد هم مربوط به بهره‌وری است.

همانطور که برای باز شدن و حرکت رو به جلوی ترافیک لازم است فعل و انفعالی در خودروهای پیش‌رو صورت گیرد و موانع برداشته شود، برای رشد اقتصادی معطوف به بهبود وضعیت اقتصادی و رفاهی مردم نیز لازم است تغییراتی در چشمت فعالان اقتصادی و رفع موانع خلق ثروت در سطح اقتصاد اتفاق بیفتد.

اجاره یک آپارتمان ۴۵ تا ۹۰ متری در آمریکا به طور متوسط در هر ماه ۱۵۵۹ دلار است. یعنی در هر روز تقریباً ۵۲ دلار. یعنی تقریباً هر متر در هر روز حدود ۱ دلار. اجاره هر متر آپارتمان با همین ابعاد در ایران، در هر روز حدوداً ۴۷۶۰ تومان است. لذا اگر معیار را اجاره بهای مسکن قرار دهیم، قدرت خرید دلار در ایران ۴۷۶۰ تومان است.

حال این عدد را می‌توان در مورد کالاهای دیگر هم بررسی کرد. طبعاً در مورد کالاهای وارداتی یا کالاهایی که به نرخ دلاری قیمت‌گذاری می‌شوند بالاتر است.

زمانی که از قدرت خرید دلار در یک کشور صحبت می‌کنیم، باید شاخصی جمعی از کالاها را ارائه کنیم. محاسبه این عدد پیچیده است.

در اینجاست که از مراکز آماری انتظار می‌رود، محاسباتی شفاف و دقیق ارائه کنند.

فیلم قابل اعتنای این روزهای سینما



در دوره‌ای که سینمای ایران از نگاه هنرمندانه تهی شده و سینماگران نسبت به افول کیفی فیلم‌ها ابراز نگرانی می‌کنند، مشخص نیست چرا فیلم خوش‌ساختی مثل «علت مرگ نامعلوم» باید به مدت سه سال رنگ پرده را نبیند. از آن عجیب‌تر اینکه هیچ مسئول سینمایی طی این سال‌ها نسبت به این اعمال محدودیت سلیقه‌ای صحبتی نکرده و توضیح نداده است چرا باید سینما و مخاطبان جدی‌اش را از تماشای چنین فیلم‌هایی محروم کرد.

ساختن فیلم‌های جاده‌ای در سینمای آمریکا و اروپا رواجی نسبی دارد و معمولاً کارگردانان نسبت به ساخت چنین فیلم‌هایی علاقه نشان می‌دهند. نمونه‌های درخشان زیادی از این فیلم‌ها موجود است که فعلاً محل بررسی‌مان نیست، اما ساخت فیلم‌های جاده‌ای در سینمای ایران چنان مرسوم نیست و فیلمسازان بنا به سختی‌های کار علاقه‌ای به ساختن چنین فیلم‌هایی نشان نمی‌دهند.

■ یک فیلم جاده‌ای سرپا

«علت مرگ نامعلوم» یک فیلم جاده‌ای سرپاست که توانسته تعلیق خوبی به داستان‌ش دهد و با بهره‌گیری از همین تعلیق تماشاگرش را تا پایان نگه دارد. در نگاهی کلی عنصر تعلیق برای این فیلم‌ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. حال اگر این فضای پر از تعلیق، با ماجرای مرگ ناگهانی یک انسان همراه شود، بر بار دراماتیک‌تر و کم‌کم بیشتری به جذاب‌شدن فیلم می‌کند.

در «علت مرگ نامعلوم» به کارگردانی علی زرنگار، با چند شخصیت همراه هستیم که هر کدام بنا به دلایلی خاص راهی سفر هستند. در چنین فیلم‌هایی معمولاً شخصیت‌ها به طور کامل رمزگشایی و معرفی نمی‌شوند و کارگردان با بهره گرفتن از همین فضای رازآلود، بر ابهام داستان و پی بردن به نیت درونی شخصیت‌ها اضافه می‌کند. شش مسافر به همراه راننده یک ون می‌خواهند خودشان را به شهر کرمان برسانند. هر کدام از این شخصیت‌ها، مشکلات، رازها و چالش‌هایی پیش‌روی‌شان دارند و هر کدام بنا به دلایلی باید از بیابان‌ها عبور کنند و به کرمان برسند.

■ مرگ ناگهانی مسافر

گروه اصلی داستان خیلی زود و با مرگ ناگهانی یکی از مسافران اتفاق می‌افتد؛ مردی بی‌نام و نشان که ناگهان به خاطر تکان‌های شدید ماشین از دنیا می‌رود و مسافران در



آتش اصلی‌ها روز دیگر به هالیوود می‌رسد

ایمان عظیمی

هالیوود در آتش سوخت. این جمله به مذاق بسیاری خوش می‌آید و عده‌ای را هم به دلیل علاقه به صنعت سینمای آمریکا و آثار سرگرم‌کننده‌اش سخت ناراحت می‌کند. خانه بسیاری از جماعت هالیوودی نظیر «لئوناردو دی کاپریو»، «آنتونی هاپکینز»، «بیلی کریستال»، «پریس هیلتون»، «بن افلک» و... طعمه حریق شدند و خرج زیادی بر دست صاحبانشان گذاشتند. از طرف دیگر این اتفاقات سبب شد تا رای‌گیری برای تعیین نامزدهای مراسم اسکار به تعویق بیفتد. وزش باد و خشکسالی مداوم شاید حساب‌وکتاب کمپانی‌های تولید فیلم را به‌هم بریزد و موفقیت‌های احتمالی این صنعت را هم تحت تاثیر وقوع بلایای طبیعی خنده‌دار کند ولی قطعاً نمی‌تواند وقفه‌ای در عملکرد کارخانه رویاسازی آمریکایی به‌وجود بیاورد چون ساختار سینمای صنعتی آمریکا به‌گونه‌ای طراحی شده که در برابر حوادثی از این دست خودایمنی‌اش را حفظ می‌کند و دوباره از خاکستر خویش بلند می‌شود.

وقوع آتش‌سوزی در لس‌آنجلس اتفاق عجیبی نیست و اگر به تاریخ نه‌چندان دور این شهر مراجعه کنیم به نمونه‌های مشابه و حتی هولناک‌تری از قبیل سیل، زلزله و حتی آتش‌سوزی برمی‌خوریم. برای نمونه سال ۱۹۳۸ دوران بسیار تاریکی را برای لس‌آنجلس رقم زد چون وقوع سیل فاجعه‌بار در آن ایام ریورساید و اورنج‌کانتی را تا مرز نابودی کشاند و پای ارتش ایالات‌متحده را هم به ماجرا باز کرد. آتش‌سوزی سپتامبر ۱۹۷۰ هم بیش از ۱۰۰ هزار هکتار از جنگل‌های «شهر فرشتگان» را نابود کرد و اندوخته مالی بسیاری را از بین برد؛ ولی سوازی مراجعه به تاریخ مصیبت بزرگ‌تری در انتظار هالیوودی‌های غالباً دموکرات است که دامنه آن بسیار گسترده‌تر از بی‌خانمان شدن موقتی امثال بن افلک خواهد بود.

«دونالد ترامپ» چند روز دیگر پایش به کاخ سفید باز می‌شود و آتشی به‌مراتب دهشتناک‌تر را به جان اهالی هالیوود می‌اندازد. او وعده داده که به‌منظور حمایت از «مردم آمریکا» تعرفه‌های تجاری سنگینی را بر وضع خواهد کرد و زیر بار ملزومات بازار آزاد هم نمی‌رود. مسئله‌ای که باعث شده صنعت سرگرمی آمریکا در انتظار یک تکانه شدید اقتصادی قرار بگیرد و بسیاری از تکنسین‌ها و هنرمندان این عرصه کار و امنیت شغلی خود را در سُرف آسیب ببینند. القصد اینکه احتمال وقوع اتفاقاتی بدتر از این برای جماعت هالیوودی هیچ کم نیست و آن‌ها باید برای سیاه‌ترین روزهایشان آماده شوند؛ سیاهی و تباهی‌ای که دوران «مک‌کار تیسلم» در برابرش بیشتر به یک شوخی شبیه خواهد بود.

نامزدهای دریافت جایزه انجمن کارگردانان آمریکا مشخص شدند



انجمن کارگردانان آمریکا (DGA) نامزدهای ۲۰۲۵ خود را انتخاب کرد تا ثابت کند فصل پرمخاطب اسکار امسال با چه شگفتی‌های همراه است. «ژاک اودیارد برای امیلیا پرز»، «شان بیگر برای آنورا»، «داوود برگر برای مجمع کاردینال‌ها»، «بردی کوربت برای پروتالیست» و «جیمز منگولد برای یک ناشناخته کامل» ۵ فیلمساز منتخب این انجمن هستند. در میان آنهایی که انجمن ناپدیدشان گرفته نام ۲ کارگردان پر فروش سال هم به چشم می‌خورد. جان ام چو برای موزیکال «شور» و دنی ویلنوو برای دنباله علمی-تخیلی تلماسه شانس دریافت جایزه انجمن کارگردانان آمریکا را از دست دادند.

جوایز این انجمن در طول ۸ دهه به عامل مهمی برای موفقیت در بخش بهترین کارگردانی جوایز اسکار تبدیل شده‌اند و تنها ۸ بار برنده انجمن فوق موفق به کسب اسکار نشده است. برندگان هفتاد و هفتمین دوره جوایز سالانه انجمن کارگردانان آمریکا روز شنبه، ۸ فوریه ۲۰۲۵ معرفی خواهند شد.

مسیری نودر سینمای مقاومت با تأکید بر آموزش، تولید و شبکه سازی داخلی و خارجی

محمد علی شجاعی فرد



استان‌ها، برگزاری جشنواره به‌صورت سالانه و تمرکز بر تولید آثار فاخر از برنامه‌های بلندمدت ماست. همچنین، درگیری استان‌ها در فرآیند تولیدات هنری مقاومت، فضای جدیدی برای شناسایی و بسیج ظرفیت‌های هنری فراهم می‌کند.»

گفتنی است؛ هجدهمین جشنواره فیلم مقاومت با تأکید بر آموزش، تولید و تعاملات بین‌المللی، مسیر جدیدی را در سینمای مقاومت ترسیم کرده است. این رویداد، فرصتی برای معرفی هنرمندان جوان و تولیدات فاخر در عرصه سینمای مقاومت است و افق‌های روشنی برای این حوزه ترسیم می‌کند.

شجاعی فرد از آغاز اکران‌های مردمی جشنواره در مناطق محروم خبر داد و افزود: «افتتاح این اکران‌ها در روستای دره‌بید با حضور هنرمندان برجسته دفاع مقدس برگزار خواهد شد.» وی همچنین از برنامه‌ریزی برای تولیدات فاخر سینمایی در حوزه دفاع مقدس و مقاومت خبر داد.

قائم‌مقام دبیر این جشنواره با اشاره به اهداف بلندمدت جشنواره گفت: «شبکه‌سازی هنرمندان مقاومت در سطح ملی و بین‌المللی و تبدیل این شبکه به اتحادیه فیلم‌سازان مقاومت از دستاوردهای مهم جشنواره است.» وی همچنین بر ضرورت تقویت ارتباطات بین‌المللی و افزایش تولیدات سینمایی تأکید کرد.

وی در ادامه افزود: «بیش از ۱۴ کشور میزبان آثار ارسالی به جشنواره بوده‌اند و تلاش‌ها برای ایجاد جذابیت‌های بیشتر در گفت‌وگو مقاومت ادامه دارد. این تعاملات، زمینه‌ساز تولیدات سینمایی در کشورهای مختلف خواهد بود.»

شجاعی فرد اظهار داشت: «توسعه دبیرخانه‌های دائمی در

این دوره از جشنواره با رویکردی متفاوت و اهداف بلندمدت، تحت مدیریت دبیرخانه‌ای دائمی آغاز به کار کرده است. محمد علی شجاعی فرد، قائم‌مقام دبیر جشنواره فیلم مقاومت، در مصاحبه‌ای، جزئیات روند برگزاری، مهم‌ترین دستاوردها، چالش‌ها و برنامه‌های آینده این جشنواره را تشریح کرد.

شجاعی فرد ضمن تأکید بر دائمی‌سازی دبیرخانه جشنواره، گفت: «ایجاد زیرساخت‌های اجرایی و مدیریتی، جذب هنرمندان توانمند و تأسیس مدرسه سینمایی شهید آوینی از جمله مهم‌ترین اقدامات جشنواره هجدهم بوده است. این مدرسه، هنرمندان جوان و مستعد حوزه مقاومت را برای آینده سینمای دفاع مقدس آماده می‌کند.»

وی به راه‌اندازی اولین جام ملی تولیدات هوش مصنوعی اشاره کرد و افزود: «این جام با حضور ۷۰ تیم در دی‌ماه برگزار شد و اختتامیه آن این هفته برگزار می‌شود. همچنین دومین جام در بهمن‌ماه آغاز خواهد شد و در نهایت، با برگزاری سوپر جام تیم‌های برتر تقدیر خواهند شد.»

یکی از محورهای اصلی جشنواره، توجه به آموزش است. قائم‌مقام دبیر جشنواره خاطر نشان کرد: «بیش از ۵۰۰ نفر در دوره‌های آموزشی آفلاین با موضوعاتی چون فیلم‌سازی کوتاه، مستند، فیلم‌نامه‌نویسی و تولید با هوش مصنوعی ثبت‌نام کرده‌اند. اطلاع‌رسانی‌ها و جزئیات آن از طریق سایت جشنواره انجام خواهد شد.»

رهاورد سفر به چین (۲)

چین بسیار فراوان است. ظاهراً الزامی وجود دارد که بر روی تمام کالاهای چینی، نام برند به زبان چینی نوشته شود. حتی کوکاکولا که یک نام و برند جهانیست، در چین با قوطی‌های مخصوصی که روی آن با حروف چینی نوشته شده و خبری از نام آشنای کوکاکولا نیست، توزیع می‌شود.

در اطراف شهر ممنوعه که یکی از مکان‌های توریستی پکن است، دخترکان زیادی دیده می‌شدند که با لباس باستانی و آرایش سر و موی سنتی در رفت و آمد هستند و ظاهراً یکی از تفریحات آنها عکس گرفتن با این سر و شکل در شهر ممنوعه است. لباس و آرایش سنتی چینی، برای مردم هنوز دلپذیر و جذاب است.

در خیابان‌های پکن، زنان با پوشش و آرایش ساده‌ای رفت و آمد می‌کنند. بی‌حجابی به معنای تن‌نمایی اصلاً مشاهده نمی‌شد. یعنی فقط صورت و موی خانم‌ها پیدا بود و حتی گردنشان را هم می‌پوشاندند. در مراکز خرید نیز به همین شکل بود و خانم‌ها بدون آرایش و با لباس بلند و پوشیده ظاهر می‌شدند. با یکی از هم وطنان که استاد دانشگاه در یکی از شهرستان‌های ایران است قدم می‌زدیم و ایشان تأکید می‌کرد که پوشش خانم‌ها در خیابانهای شهرستان محل تدریس ایشان بسیار کمتر از زنان پکنی است. ناگفته پیداست که نسبت به پاساژها و خیابان‌های معمولی شهر تهران، زنان چینی بسیار پوشیده‌تر و با آرایشی ساده‌تر بودند.

در چین، کفر وجود داشت اما بی‌حجابی نه!

ظاهراً گشت ارشاد و قوانین خاصی هم در این زمینه در چین وجود ندارد، اما نمی‌دانم تحت چه مدیریت فرهنگی، زنان از بدن‌نمایی و آرایش‌های غلیظ دوری می‌کنند.

البته اینگونه نیست که همه سیاست‌های فرهنگی چین هم موفق باشد. آنها هم با مشکلات فرهنگی مواجه هستند. با برخی از اساتید دانشگاه چینی که صحبت می‌کردم از گسترش غرب زدگی در میان نسل جدید شکایت داشتند و نگران بودند فرهنگ سنتی چین تضعیف شود.

۱۹] آیا رابطه ایران و چین راهبردی است؟

یکی از مطالبی که مدام در جلسات چین توسط مسئولان، اندیشمندان و اساتید چینی ابراز می‌شد، این بود که رابطه چین و ایران «راهبردی» است. نظر هیئت ایرانی برخلاف چینی‌ها این بود که در حال حاضر رابطه ایران و چین را نمی‌توان راهبردی توصیف کرد اما این ظرفیت وجود دارد که به این سطح ارتقا یابد. برای راهبردی بودن رابطه دو کشور چند ویژگی لازم است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. اول اینکه اعتماد کافی میان هر دو طرف وجود داشته باشد؛ دیگر اینکه کشور سومی نتواند بر رابطه این دو تأثیر عمیقی بگذارد؛ سوم اینکه توافق‌نامه‌های راهبردی میان دو کشور امضا و اجرا شود.

چینی‌ها استدلال می‌کردند که چون ایران و چین هر دو در مقابل نظام تک قطبی آمریکایی ایستاده‌اند، یک رابطه راهبردی دارند. به علاوه می‌گفتند ۹۰ درصد نفت ایران به کشور چین صادر می‌شود و چین با این کار خودش را در معرض تحریم‌های

بخش اول یادداشت عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی از سفر به چین را دیروز منتشر شده بود؛ ادامه آن را بخوانیم امیدواریم بتواند برای نظام حکمرانی و سیاست‌پژوهان مفید باشد.

۱۶] جایگاه اندیشه رهبری چین در نظام حکمرانی

رهبران چین فقط مدیران اجرایی نیستند و اندیشه آنها مورد تحلیل و بررسی دانشوران قرار می‌گیرد. هدف این است که اندیشه آنها برای بهبود نظام حکمرانی مورد استفاده قرار گیرد. آقای شی جی‌پینگ رهبر فعلی چین است. در کتاب‌فروشی‌های بزرگ چین معمولاً یک قفسه به صورت مجزا به تحلیل اندیشه‌های ایشان اختصاص دارد.

امروز در یکی از نشست‌ها با پژوهشگری آشنا شدم که در موسسه بررسی اندیشه‌ها و آرای آقای شی کار می‌کرد. وقتی به او گفتم که پژوهشگاه ما هم وظیفه مشابهی دارد و اندیشه رهبر انقلاب اسلامی را تحلیل و بررسی می‌کند، خیلی خوشحال شد! قرار گذاشتیم ایشان در یک جلسه در رابطه با اندیشه‌های آقای شی صحبت کند.

پی‌نوشت: در چین، نام خانوادگی ابتدای اسم می‌آید. بنابراین شی نام خانوادگی آقای شی جی‌پینگ است.

۱۷] چینی‌ها سوسک و خفاش و موش می‌خورند؟

وقتی نام چین می‌آید یکی از اولین چیزهایی که به ذهن انسان ایرانی می‌رسد، غذاهای چینی است. خیلی از مردم بر این باور هستند که چینی‌ها حشرات و جانوران تفر برانگیز را به عنوان غذا می‌خورند. حتی یک لطیفه فارسی هست که می‌گوید در ایران به مهمان می‌گویند: بفرمایید تا غذا سرد نشده؛ اما در چین به مهمان می‌گویند بفرمایید تا غذا فرار نکرده! آیا واقعا چنین است؟

در رستوران‌های مختلف چین، ندیدم که حیوانات عجیب و غریب برای غذا سرو شود. وقتی سوال کردم گفتند این یکی از تبلیغات چین ستیزانه است که در سراسر جهان رواج دارد. برای تحقیر چینی‌ها چنین شایعاتی را می‌سازند. البته پس از فراگیر شدن این شایعات، در یکی از کچه‌های مرکز شهر پکن، دکه‌هایی را ترتیب دادند و غذاهای عجیب غریب را به توریست‌ها می‌فروختند. خود چینی‌ها از این غذاهای خورند و فقط برای مصرف توریست‌ها تهیه می‌شد. با اینکه این کار درآمد زیادی داشت اما به دلیل دامن زدن به تحقیر چینی‌ها، دولت دستور داد که این دکه‌ها جمع شوند. اکنون هیچ اثری از این غذافروشی‌های توریستی نیست.

شایعات زیادی علیه چین و فرهنگ آن رواج دارد که عمدتاً توسط غرب ساخته شده است. این شایعات بخشی از پروپاگاندای غرب علیه چین است. لطفاً سخنان ناخوشایند در مورد چین را به راحتی نپذیرید

۱۸] چند نکته فرهنگی از خیابان‌های چین

وقتی در خیابان‌های چین قدم می‌زنید، زبان چینی و نمادهای



آمریکایی قرار داده است و علی‌رغم این ریسک همچنان با خرید نفت، از ایران حمایت می‌کند.

استدلال اساتید ایرانی در نشست مشترک با چینی‌ها این بود که تبادل مالی میان ایران و چین با احتساب نفت، چیزی حدود ۱۵ میلیارد دلار است و این سطح از تبادلات اقتصادی بسیار نازل است. به علاوه بانک‌ها و نهادهای مالی چین، به خاطر ترس از تحریم‌ها حاضر نیستند تسهیلات لازم برای ایران را فراهم کنند. از طرف دیگر توافق‌نامه‌های راهبردی میان ایران و چین هنوز اجرا نشده و این یعنی با راهبردی شدن رابطه فاصله داریم. از دیگر سو، هیئت ایرانی چند بار اعتراض کرد که چرا طرف چینی مدام موضوع عربستان را پیش می‌کشد و تأکید می‌کند که چین به دنبال بهبود رابطه ایران و عربستان برای منافع منطقه است؛ در حالی که رابطه راهبردی به این معناست که ما به کشور سومی مثل عربستان نیاز نداشته باشیم و فارغ از موضوع عربستان باید سطح روابط ایران و چین افزایش یابد.

به نظرم «در حال حاضر رابطه ایران و چین راهبردی نیست، ولی ظرفیت و اشتراکات به قدری زیاد هستند که می‌تواند تبدیل به یک رابطه راهبردی شود.»

اینکه هنوز رابطه ایران و چین راهبردی نشده هر دو طرف مقصر هستند. چینی‌ها رفتاری از خود نشان ندادند که اعتماد ایران را جلب کند. در سخنرانی خود تأکید کردم که شایعات ناخوشایندی در مورد چین بین ایرانیان رواج دارد. مثلاً خیلی از ایرانیان فکر می‌کنند چین به دنبال تصرف جزیره کیش است! یا چین قرار است به ایران نیروی نظامی اعزام کند! این بی‌اعتمادی اجتماعی را باید چینی‌ها با دیپلماسی عمومی علاج کنند. به علاوه چین نتوانسته یا نتوانسته تکنولوژی‌های پیشرفته خود را به ایران بیاورد و این باعث شده در ایران این باور اشتباه شکل بگیرد که محصولات چینی بی‌کیفیت و عقب مانده هستند.

اما ایران هم در زمینه ارتقای رابطه با چین به سطح راهبردی کوتاهی کرده است. تعداد کارمندان سفارت ایران در چین فقط ۲۰ نفر است در حالی که آمریکا ۴۰۰ کارمند در سفارت خود در چین دارد! همین تعداد کارمندان نشان می‌دهد که روابط چین با کدام کشور راهبردی است! ایران به چین صرفاً به عنوان یک خریدار نفت و فروشنده کالاهای ارزان قیمت نگاه می‌کند، در حالی که چین در حوزه فرهنگی، فناوری، آموزشی و... ظرفیت زیادی دارد و متنوع کردن پیوندهای ایران با چین در این زمینه‌ها می‌تواند به ارتقای سطح روابط میان دو کشور منجر شود.

چگونه تلفن همراه خود را کنار بگذاریم و به عادت کتابخوانی بازگردیم؟

سارا فیلیپس - ترجمه علی اصغر درلیک



نباشد، هنگامی که احساس خستگی می‌کنید، به راحتی سراغ گوشی نمی‌روید.

۲. کتاب‌های کاغذی بخوانید و در آن‌ها یادداشت بنویسید. دامیان بار، مؤسس و صاحب «باشگاه کتابخوانی اسکاتلند بزرگ»، سعی می‌کند تا همیشه یک کتاب چاپی با خود به همراه داشته باشد: «گر چیزی همراه من نباشد، نمی‌توانم آن را بخوانم. کتاب‌های الکترونیکی همیشه در رقابت با شبکه‌های اجتماعی حاضر در گوشی هوشمند من شکست می‌خورند و به همین دلیل، من نیاز به همراه داشتن کتاب کاغذی را احساس می‌کنم.» او با بهره‌گیری از برنامه‌های مسودکننده استفاده خود از شبکه‌های اجتماعی را محدود می‌سازد: «من بدین طریق می‌توانم شبکه‌های اجتماعی را نادیده بگیرم و این کار دست‌کم موجب می‌شود که بدانم چقدر برای حضور در این شبکه‌ها وقت صرف می‌کنم.»

لارا فیلیگ، نویسنده و استاد ادبیات انگلیسی کینگز کالج لندن، می‌گوید که در تلاش است تا دانشجویان خود را بر مدار کتابخوانی قرار دهد: «از دانشجویانم درخواست کردم که به جای کتاب‌های آنلاین، نسخه کاغذی کتاب‌ها را خریداری کنند. همچنین، از آن‌ها خواستم تا نکات لازم را به صورت دستی درون کتاب یادداشت کنند؛ حتی گاهی از آن‌ها می‌خواهم که کتاب‌هایشان را با خود بیاورند و یادداشت‌های درون آن‌ها را به من نشان دهند.» او تأکید می‌کند که «بخشی از لذت مطالعه حاصل همین کتاب‌های کاغذی‌ست. من عاشق خرید کتاب، بوییدن و تورق آن هستم. این امر می‌تواند بیش از صفحه نمایش گوشی به ترشح دوپامین در بدن شما کمک کند.»

۳. ذهن خود را بازیابی کنید دیزی بوکانان مجری پادکست «شما کتاب هستید» و نویسنده کتاب «با خوشحالی بخوانید؛ چگونه از کتابها برای کاهش اضطراب

خود استفاده کنیم» است. او بر این باور است که کتابخوانی به‌سان دوی ماراتن است نه دوی سرعت. همانند هر گونه عملی، کتابخواندن نیز از همان دوران کودکی به صورت فطری در درون ما نهادینه شده است؛ اما امروزه پریشان‌خاطری و سردرگمی و قبل‌وقال‌های بیش از حد زندگی آن را کم‌رنگ کرده است.

کتابخواندن را با حداقل زمانی که در اختیار دارید، آغاز کنید و کتابخوان بودن را بازیابی کنید. گودین پیشنهاد می‌دهد که یک تازگت ده صفحه‌ای برای مطالعه بازه زمانی مشخصی در نظر بگیرید.

۴. زمان و مکانی دلپسند برای مطالعه تعیین کنید. دیزی بوکانان معتقد است که این زمان برای او اول صبح است. هنگامی که از خواب برمی‌خیزم، آتش افکار و اضطراب‌ها در ذهن من شعله‌ور می‌شود. در آن لحظه، اگر به جای در دست گرفتن تلفنم، به مطالعه بپردازم، کتاب اطلاعاتی را که می‌خواهم به منتقل می‌کند، اضطرابم کاهش می‌یابد و ذهن من چیزی می‌یابد تا بتواند بر آن تمرکز کند.

۵. مطالعه را یک فرایند حوصله‌سرب‌نرانید. به باور بوکانان، اهمیت کتابها در این است که خود فی‌نفسه هدف هستند و نه نقطه عزیمت: «شما کتاب‌ها را باید با لذت و خرسندی بخوانید تا بتوانند شما را به چالش بکشند.» او برای اینکه تمرکز خود بر مطالعه را دوباره بازیابد، مانند جودی بلوم، به کتاب‌هایی بازگشت که در کودکی از مطالعه آن‌ها لذت می‌برد و عشق و علاقه او به ادبیات را احیا می‌کردند. او معتقد است که «ما کتاب را برای فضیلت یا ارزشمندی آن مطالعه نمی‌کنیم.»

گودین معتقد است که عضو شدن در یک باشگاه کتابخوانی می‌تواند مشوقی باشد تا آن کتاب را تا انتها مطالعه کنید. او پیشنهاد می‌کند که کتابخانه‌ها می‌توانند مشوق ما برای بازیابی

دوباره عادت کتابخوانی ما باشند.

۶. از کتاب‌های صوتی (و برنامه‌های تلویزیونی خوب) غفلت نکنید. به باور گودین، اگر مدتی است که مطالعه را کنار گذاشته‌اید، گوش فرادادن به یک کتاب صوتی می‌تواند راهکار خوبی جهت بازگشت به عادت کتابخوانی باشد؛ به‌ویژه اگر قابلیت انجام چندکار به صورت همزمان دارید و می‌توانید در حین رفت‌وآمد یا قدم‌زدن آن را گوش کنید. گودین می‌افزاید که در هنگام گوش کردن به کتاب صوتی حتماً نوتیفیکشن‌های گوشی خود را خاموش کنید. دامیان بار اظهار می‌دارد که اگر نتوانست‌اید تعداد زیادی کتاب در طی یکسال بخوانید، خودتان را سرزنش نکنید: «نسبت به آنچه که می‌خوانید احساس خوبی داشته باشید و نسبت به آنچه که نمی‌خوانید نیز احساس ناخوشایندی نداشته باشید. (منبع: گاردین)

بیان واقعه خونین گوه‌رشاد در ماکسیم برام

اکرم یعقوبی

اکرم یعقوبی در مصاحبه با برنامه‌رویداد رادیو گفت و گو با اشاره به شکل‌گیری این کتاب گفت: در سال ۱۳۹۲ جمعی از مصاحبه‌گران پروژه‌ای را در دست گرفتند که مصاحبه با بازماندگان واقعه تاریخی مسجد گوه‌رشاد را در دستور کار داشت.

فراخوانی در مشهد منتشر شد و مساجد اطراف حرم مطهر تک به تک مورد بازدید قرار گرفتند و با اهالی مسجد صحبت می‌شد.

وی افزود: این رفت و برگشت در مساجد منجر به یافتن یکسری افراد بود و در نهایت هزار مصاحبه تولید شد.

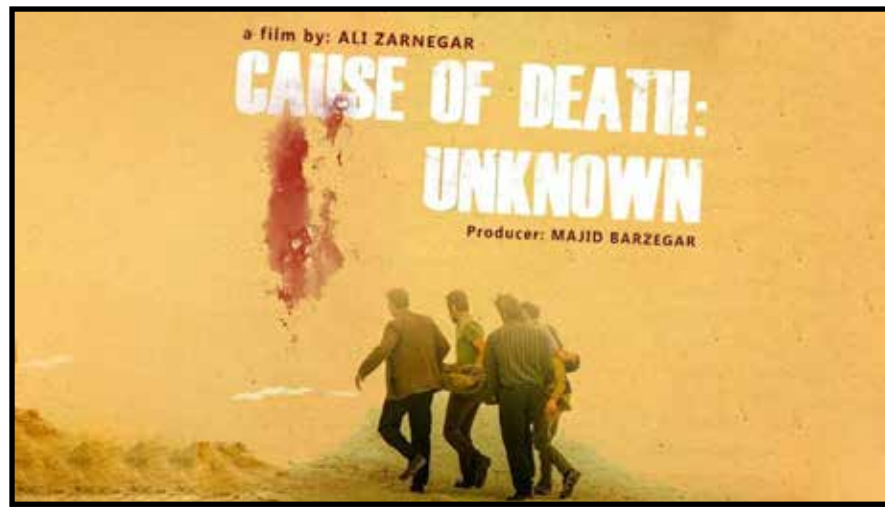
بسیاری از این افراد کودکانی بودند که در آن سال‌ها، واقعه مسجد گوه‌رشاد را از نزدیک دیده بودند. یا ممکن بود یکی از اقوام نزدیک این کودکان در حادثه گوه‌رشاد حضور داشته و لذا مصاحبه شوندگان به نقل خاطرات خود پرداختند.

یعقوبی افزود: کتاب ماکسیم برام حول این مصاحبه‌ها گردآوری شده است.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۳۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴-واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



چگونه تلفن همراه خود را کنار بگذاریم و به عادت کتابخوانی بازگردیم؟

اگر چیزی همراه من نباشد، نمی‌توانم آن را بخوانم. کتاب‌های الکترونیکی همیشه در رقابت با شبکه‌های اجتماعی حاضر در گوشی هوشمند من شکست می‌خورند و به همین دلیل، من نیاز به همراه داشتن کتاب کاغذی را احساس می‌کنم.

فیلم قابل اعتنای این روزهای سینما

ساختن فیلم‌های جاده‌ای در سینمای آمریکا و اروپا رواجی نسبی دارد و معمولاً کارگردانان نسبت به ساخت چنین فیلم‌هایی علاقه نشان می‌دهند. نمونه‌های درخشان زیادی از این فیلم‌ها موجود است، اما ساخت فیلم‌های جاده‌ای در سینمای ایران چنان مرسوم نیست و فیلمسازان بنا به سختی‌های کار علاقه‌ای به ساختن چنین فیلم‌هایی نشان نمی‌دهند.



مراقب باش...
به خاطر شتابزدگی و عجل بودن
پیشامد بد را طلب نکنی...

(سوره اسراء آیه ۱۱)

جانشین تیلور وارد گود شد



وزن، نیتن جکسون دیگر نماینده آمریکا خواهد بود.

■ آغاز رقابت‌های جهانی کشتی ۲۰۲۵؛ نبرد ستارگان در زاکرب کرواسی
اولین رویکرد رنکینگ جهانی کشتی در سال ۲۰۲۵، با حضور پر قدرت تیم‌های ملی مختلف از جمله ایران و آمریکا، از ۱۷ تا ۲۱ بهمن در زاکرب کرواسی برگزار خواهد شد.
یکی از نکات قابل توجه در ترکیب تیم آمریکا، حضور زاهد والنسیا در وزن ۸۶ کیلوگرم است. والنسیا پس از شکست در انتخابی مقابل دیوید تیلور و تغییر وزن، حالا با خداحافظی تیلور به وزن قبلی خود بازگشته است. در این

صادق قهرمان لیگ جهانی سری آگرجستان



فاطمه صادقی از باشگاه بوموسی با پیروزی مقابل نمایندگان کشور های ترکیه، اندونزی، نگین ابراهیمی از ایران، پرتغال و کانادا، راهی فینال لیگ جهانی کاراته وان سری آ گرجستان ۲۰۲۵ شد.
او در دیدار فینال نماینده کشور هنگ کنگ را پشت سر گذاشت و قهرمان کاتا انفرادی بانوان در اولین مرحله از مسابقات لیگ جهانی کاراته وان "سری آ" در سال ۲۰۲۵ شد.
در فینال صادقی امتیاز ۴۱.۴۰ و حریف هنگ کنگی امتیاز ۴۱ را بدست آورد.

والیبال نشسته ایران، سومین تیم پرافتخار تاریخ ورزش جهان



به تازگی جدولی از پرافتخارترین تیم‌های ملی در ادوار مختلف مسابقات جهانی، المپیک و پارالمپیک منتشر شده است. نکته جالب توجه در این جدول، حضور تیم ملی والیبال نشسته ایران است؛ تیمی که موفق به کسب ۸ طلا در ادوار مختلف پارالمپیک و ۸ طلا در مسابقات قهرمانی جهان شده و در جدول مذکور پس از تیم بسکتبال آمریکا و تیم واترپلو مجارستان در رده سوم قرار دارد.

سوپر جام ایران چهار تیمه می‌شود؟



امیرحسین روشنک، مسئول لیگ برتر: بسیاری از کشورها سوپر جام را با ۴ تیم برگزار می‌کنند؛ در این کشورها، باشگاه‌ها با برگزاری مسابقات به صورت ۳ روز یکبار هم مشکلی ندارند و حتی به قاره‌ای دیگر هم سفر می‌کنند.
در کشور ما هم اگر باشگاه‌ها با این وضعیت مشکلی نداشته باشند، شاید در آینده سوپر جام با حضور ۴ تیم برگزار شود؛ البته این به شرطی است که فشرده‌گی تقویم مسابقات ما اجازه چنین کاری را بدهد.

بیچاره فوتبال!

فریدون حسن



درد فوتبال را بفهمد؛ یکی که بتواند فوتبال را از این بیچارگی که امثال این پنج نفر نصیب کرده‌اند نجات دهد. فوتبالی باشد یا نباشد مهم نیست. اسمش هر چه می‌خواهد باشد. فقط یکی مثل اینها نباشد. فوتبال ایران با هیچ کدام از این پنج نفر به هیچ جا نخواهد رسید که اگر قرار به درست شدن بود، پیش از این شده بود، پس منتظر بیچاره‌تر شدن فوتبال می‌مانیم.

نجات دهد! همین یک قلم برای بیچارگی فوتبال کافی است. فوتبال حالا منتظر است در ادامه بیچارگی خود یکی از این پنج نفر پشت میز ریاستش بنشیند ولی‌ای کاش همه اینها باهم کنار می‌رفتند تا شاید حداقل یکی می‌آمد و فوتبال را از بیچارگی درمی‌آورد؛ یکی که حتماً هم لازم نیست از فوتبال باشد ولی

نجات دهد. سابقه‌اش را داشته‌ایم، لازم نیست راه دوری بروید از علی کفاشیان برسید، به شما خواهد گفت بهترین رئیس فدراسیون فوتبال بعد از انقلاب چه کسی است. این را حتی در برنامه تلویزیونی هم گفت.
اصلاً مانده‌ایم که این همه غرور و نخوت از کجا می‌آید. فوتبالی که یادمان نمی‌آید آخرین بار کی برای ورزش ایران افتخار آفرینی کرده است چرا باید آدم‌های اینقدر مغرور باشند. اصلاً به خاطر همین خودبزرگ‌بینی امثال همین پنج نفر است که فوتبال به این بیچارگی رسیده، خود همین جناب که مدعی است فوتبال جای دبیر نیست و باید برود، دنبال زیر خم گرفتن، در کارنامه ریاستش بر فوتبال سابقه حذف یکی از برترین تیم‌های ملی فوتبال ایران با هدایت استانکو و بازیکنانی چون علی دایی، پیوس و قلعه‌نویی از گردونه بازی‌های آسیایی را دارد، حالا با غرور و نخوت می‌گوید هنوز بیچاره نشده‌ایم. بیچارگی از نظر شما یعنی چه؟
این جماعت امتحان پس‌داده دوباره برگشته‌اند. برگشته‌اند تا فوتبال بیچاره‌تر از قبل شود. فوتبال بیچاره است، چون گرفتار یک دور باطل شده؛ گرفتار مدیرانی که دل نمی‌کنند و نمی‌روند، چون می‌دانند فوتبال بیت‌المال را دارد برای خرج کردن و تاراج و کسی هم نمی‌تواند بگوید بالای چشم‌تان ابروست و لازم نیست بابت تخلفات و فسادشان به جایی پاسخ دهند. نمونه‌اش

مهلت ثبت‌نام کاندیداهای شرکت در انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال تمام شد و حالا پنج نفر (تاج، بهاروند، کفاشیان، عزیزی‌خادم و عابدینی) برای رقابت در این انتخابات منتظر هستند تا صلاحیت‌شان تأیید شود؛ پنج نفر امتحان پس داده که تا دل‌تان بخواهد فوتبال از دوران مدیریت‌شان ضربه خورده است و می‌خورد!
اما در میان تمام اظهار نظرهای این پنج نفر بعد از ثبت‌نام و در میان تمام ادعاهایی که برای سروسامان دادن به وضعیت فاجعه‌بار امروز فوتبال مطرح کرده‌اند، یک اظهار نظر خیلی جالب بود. یکی از کاندیداها در پاسخ به حضور احتمالی علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی در انتخابات عنوان کرد: هنوز اینقدر بیچاره نشده‌ایم که دبیر بیاید.
خب بستگی دارد که بیچارگی را چگونه تعریف کنیم. اصلاً باید از این کاندیدای محترم پرسید که بیچاره‌تر از این هم مگر ممکن است. اتفاقاً فوتبال از دست شما و امثال شما بیچاره شده است. فوتبالی که فساد و تخلف از سر و کول آن بالا می‌رود. فوتبالی که بدبختی‌ترین فاکتورهای حرفه‌ای بودن را ندارد و فوتبالی که دستش تا آرنج در جیب مردم و بیت‌المال است و سیر هم نمی‌شود. بیچاره‌تر از این می‌خواهید. اتفاقاً شاید لازم بود برای نجات فوتبال از این همه بیچارگی یک غیرفوتبالی با پیش بگذارد و انتخاب شود تا فوتبال را از دست امثال شما